

پژوهشی در نسخه شهید اول از صحیفه سجادیه

سید حسن موسوی بروجردی *

ترجمه: محمود نظری **

چکیده: نویسنده در این گفتار، درباره کتاب صحیفه سجادیه از دیدگاه شهرت و تواتر، متن و روایت آن گفت و گو می‌کند. سپس به روایت مشهور و متداول صحیفه می‌پردازد و علل اختلاف روایات صحیفه را بررسی می‌کند. آنگاه نسخه شهید اول را با اجزات و مقابله‌های آن می‌شناساند، اصالت آن را ثابت می‌کند، راویانی را که شهید اول صحیفه را از آنها نقل کرده و راویانی را که صحیفه را از شهید اول نقل کرده‌اند، برمی‌شمارد. و پس از آن نام کسانی را می‌آورد که صحیفه را به صورت وجاده از نسخه شهید اول نقل کرده‌اند.

کلید واژه‌ها: صحیفه سجادیه، اعتبار / صحیفه سجادیه، روایات کهن / صحیفه سجادیه، نسخه شهید اول / شهید اول، محمدبن مکی / صحیفه سجادیه، راویان نسخه شهید اول / صحیفه سجادیه، طرق روایت شهید ثانی / شهید ثانی، علی بن زین الدین.

* - محقق، حوزه علمیه مشهد.

** - کارشناس ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، پژوهشگر کتابخانه مجلس.

بسم الله الرحمن الرحيم

وبه نستعين

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على سيد الانبياء والمرسلين محمد وعترته الطيبين الطاهرين، لاسيما على بقية الله في الارضين الحجة بن الحسن العسكري عجل الله فرجه الشريف، ولعنة الله على أعدائهم أجمعين من الآن إلى قيام يوم الدين.

صحيفة كاملة سجادية از مهمترين و اصيل ترين منابع و اسناد حديثي است كه مسلمين از قرن اول^(۱) ضمن عنايت و توجه بدان، برای حفظ و نشر و نگارش اين مجموعه نفيس بر صفحات قلوب و اوراق دفاتر، تلاشهای ارزنده ای داشته اند و آن را سینه به سینه و نسل اندر نسل با نهایت دقت در حفظ و ضبط دقيق و اتقان آن نقل و روایت کرده و برای آیندگان به ارث گذاردند.

صحيفة كاملة سجادية به انشاء امام علي بن حسين بن علي بن ابی طالب زين العباد و سيد السجادات^(ع) است كه خداوند متعال، چشمه های حكمت و حقايق نبوی^(ص) را بر زبان مبارك ایشان جاری ساخت. لذا اين صحيفه به «انجيل اهل البيت» و «زبور آل محمد» موسوم گشته است.^(۲) همان گونه كه انجيل و زبور، بر زبان عيسى بن مريم و داود^(ع) جريان يافت، اين دعاهاى الهی نیز از دهان شخصيتی صادر گشت كه به كثرت سجود و عبادت و بكاء شبانه روزی مشهور بود.^(۳)

فیه
شماره ۷



۱ - محمد بن علی بن شهر آشوب (م ۵۸۸ هـ) در مقدمه معالم العلماء در پاسخ به کلام غزالی می گوید: نخستین کسی که (در اسلام) به کار تصنیف دست زد، مولا علی^(ع) بود که کتاب خداوند جل جلاله را گرد آورد. بعد از ایشان می توان به ترتیب زمانی، از سلمان فارسی، ابوذر غفاری، اصیغ بن نباته، عبیدالله ابن ابی رافع و صحیفه کامله امام زين العابدين^(ع) نام برد. (معالم العلماء، ص ۳۸)

۲ - ابن شهر آشوب نخستین کسی است که صحیفه را بدین نامها نامید، چنانکه در معالم العلماء، در شرح حال متوکل بن عمیر گوید: صحیفه به «زبور آل محمد^(ع)» لقب یافته است. (معالم العلماء، ص ۱۶۰) و در شرح حال یحیی بن علی بن محمد بن حسین رقی، گوید: از امام صادق^(ع) دعای معروف به «انجيل اهل البيت^(ع)» روایت شده است. (همان، ص ۱۶۶).

۳ - بنگرید: بحار الانوار، ج ۱۱۰، ص ۶۱، صورت ۴۱.

صحیفه سجادیه فقط مجموعه‌ای از دعاها نیست، بلکه بحق دایرة المعارفی علمی، عقیدتی، اجتماعی، سیاسی... به گونه‌های مختلف است که زبان، یارای بیان و توصیف آن را ندارد. این مجموعه، اثری است جاودانی که موحدان شیعه و سنی را از تدبّر در الفاظ و معانی ژرف آن، چاره و گریزی نیست.

علت نگارش این مقاله

آنچه در این صفحات تقدیم می‌شود، نگاهی است اجمالی به نسخه‌ای نفیس و ارزشمند و منحصر به فرد از صحیفه شریفه سجادیه، به خط عالم بزرگ و فقیه آل رسول ﷺ، شهید اول محمدبن مکی عاملی - رضوان الله تعالی علیه.^(۱)

انگیزه نگارنده در نگارش این مقاله، متن این گوهر نفیس است که خود، اصل و اساس صحیفه‌های خطی و چاپی متداول در عصر ما و نیز اساس تعدادی از نسخ و صحیفه‌های خطی مفقوده می‌باشد که به برخی از آنها اشاره خواهد شد. روشن و واضح است که اکثر طرق روایتی صحیفه - چه به شکل اجازه یا جاده یا غیر آن - به شهید اول قدس سره می‌رسد.^(۲) بنابراین، این درّه فاخره، نزدیک به سه قرن از دیدگان پنهان بود، با اینکه سزاوارتر بود که در تصحیح و مقابله به آن رجوع شود، زیرا که این نسخه از دیگر نسخه‌ها اتقان بیشتری دارد، چرا که آن‌ها به یک واسطه یا بیشتر با این نسخه مقابله شده‌اند.

از همین رو، نگارنده به شناسایی و معرفی این نسخه پرداخت تا گامی دیگر در جهت تصحیح و تحقیق صحیفه‌ها برداشته شده باشد.

بدین ترتیب، این نوشتار را در مباحثی چند تقدیم می‌داریم:

۱ - درباره این شخصیت و الامقام، بنگرید به کتاب «الشهید الاول: حیات و آثار» نوشته حجة الاسلام رضا مختاری (قم: بوستان کتاب، ۱۴۲۶).

۲ - بنگرید: بحارالانوار ج ۱۱۰ (کتاب الاجازات) ص ۴۳ - ۶۶، جمیع طرقی که مولی محمد تقی مجلسی ذکر کرده، به شهید رحمه الله علیه بازمی‌گردد.

مبحث اول: اعتبار صحیفه سجادیه

بحث در این زمینه چند بخش دارد:

۱- ۱. اعتبار صحیفه از جهت شهرت

۱- ۲. از جهت متن

۱- ۳. از حیث روایت

تفصیل این مباحث را باید در جای دیگری مطرح کرد که در این زمینه، مقالات متعددی در مجلات و کتب مستقل و مفصل نشر یافته است. لذا تکرار آنها در اینجا ضرورت ندارد. در این مقاله در حد بضاعت خود، زبده آنچه را که در این باب گفته شده می‌آوریم تا ذکرش خالی از فایده نباشد و تا حد امکان می‌کوشیم به مطالبی بپردازیم که در اغلب نگارش‌ها و کتب، چندان مطرح نشده است، بدان امید که خواننده، از خلال آنچه دیگران نوشته‌اند و ما بدان خواهیم پرداخت، به نتیجه‌ای اتم و اکمل برسد.

۱- ۱. اعتبار صحیفه، از جهت انتساب به امام سجاده علیه السلام و شهرت بین علما

در این زمینه، کلام ابن ادریس (م ۵۹۸ هـ) ما را بس است که در مقدمه شرح صحیفه می‌گوید: «صحیفه سجادیه، بزرگترین شفاعت‌بخشی است که اهل تعبد برای درمان خود از آن کمک می‌گیرند.»^(۱) این سخن، شهرت صحیفه و اهتمام علما بدان را در آن زمان می‌نمایاند.

میرداماد (م ۱۰۴۱ هـ) می‌گوید: «صحیفه کریمه سجادیه مسمی به انجیل اهل بیت و زبور آل رسول، به تواتر نقل شده است، مانند سایر کتابهایی که نسبت آنها به مصنفاتشان متواتر است. در این میان، ذکر اسناد فقط برای بیان طریق نقل حدیث و اجازه روایت آن است که این قضیه در بین مشایخ اجازات سنت، جریان دارد.»^(۲)

سید علی خان مدنی شارح صحیفه سجادیه (م ۱۱۲۰ هـ) می‌نویسد: «انتساب صحیفه

۱- الذریعه ج ۱۳، ص ۳۵۸، رقم ۱۳۲۶.

۲- شرح صحیفه، میرداماد، ص ۵۶.

شریفه به امام سجاده علیه السلام آنچه مستفیض است که تا سر حدّ تواتر می‌رسد.»^(۱)

اهتمام و عنایت طبقات مختلف علمای امامیه در همه اعصار به نقل و روایت صحیفه سجادیه، همچنین ذکر آن در اجازات عالمان و درج نام و شروح مختلف آن در فهرستهای شیخ نجاشی (م ۴۵۰ هـ)^(۲)، شیخ الطائفه طوسی (م ۴۶۰ هـ)^(۳)، و ابن شهر آشوب سروی مازندرانی (م ۵۸۸ هـ) جای کمترین تردیدی در صحت انتساب این اثر به امام سجاده علیه السلام باقی نمی‌گذارد.^(۴)

همه این موارد، انتساب قطعی و یقینی این اثر به امام سجاده علیه السلام و شهرت آن در بلاد اسلامی را نشان می‌دهد.

علاوه بر آن، کثرت و فراوانی نسخه‌های قدیمی موجود از صحیفه - چنانکه به برخی از آنها اشاره خواهد شد - خود دلیل دیگری بر این مطلب است، به گونه‌ای که چنین کثرتی در نسخه‌های کتابهای دیگر کمتر دیده می‌شود.

فراوانی نسخه‌های صحیفه بطور مطلق و در همه قرون، محققان را از استقصای همه

۱- ریاض السالکین، ج ۱، ص ۵۸.

۲- رجال النجاشی، ص ۴۲۶، رقم ۱۱۴۴.

۳- فهرست طوسی، ص ۴۷۷، رقم ۷۶۹.

۴- راجع به شروح صحیفه و نسخه‌های آنها مراجعه شود به:

الف. شیخ علامه آقا بزرگ طهرانی در «الذریعه الی تصانیف الشیعه»،

ب. علامه استاد سید محمد حسین حسینی جلالی در کتابش به نام «دراسات حول الصحیفه السجادیه». در

این کتاب، ایشان از شروح صحیفه تحت عنوان «الصحیفه عبر القرون» نام برده است. این پژوهش همچنین همراه با تحقیق ایشان بر روی نسخه‌ای از صحیفه به روایت علی بن مالک در قم منتشر شده است.

ج. حسین درگاهی در کتاب «کتابنامه صحیفه سجادیه»،

د. فواد سرگین در «تاریخ التراث العربی»،

ه. دو مقدمه آیه الله مرعشی و سید مشکاة که یک بار حدود شصت سال پیشتر و بار دیگر در مقدمه

نسخه‌ای از صحیفه، به تصحیح و چاپ شیخ محمد آخوندی منتشر شده. این دو مقدمه اخیراً به طور مستقل و در خور شأن آن به اشراف استادمان علامه سید محمدرضا جلالی - دام توفیقه - در مجله علوم الحدیث (عربی) منتشر شده است.

آنها - ولو به اشاره و اجمال - ناتوان می‌سازد. کافی است بدانیم دشمنان و مغرضان - که برای تشکیک در بسیاری از آثار ائمه علیهم‌السلام می‌کوشند - در برابر صحیفه سجادیه به تواضع سرفروید آورده‌اند.

۱-۲. اعتبار صحیفه از جهت متن

میرداماد (م ۱۰۴۱ هـ) می‌گوید: «در انجیل اهل بیت و زبور آل محمد علیهم‌السلام رموزی آسمانی و الفاظی الهی و اسلوبی و حیانی و جلوه‌های فرقانی یافت می‌شود.»^(۱)

سید علی‌خان مدنی (م ۱۱۲۰ هـ) می‌نویسد: «صحیفه سجادیه، نمادی از علم الهی است و بوی معطر کلام نبوی از آن استشمام می‌شود. باید چنین باشد، چرا که پاره‌ای از نور مشکات رسالت و نفع‌های از شمیم بوستان امامت است. تا آنجا که - از جهت اشتمال بر انوار حقایق معرفت و میوه‌های باغهای حکمت - با وحی آسمانی و صحف عرشی و ملکوتی ماندنش دانسته‌اند.»^(۲)

مولی محمد تقی مجلسی (م ۱۰۷۰ هـ) می‌گوید: «بی‌شک صحیفه کامله سجادیه، اثر مولایمان سید الساجدین است، چرا که محتوای آن و فصاحت و بلاغت و اشتمال بر علوم الهی، به گونه‌ای است که جز معصوم نمی‌تواند گوینده آن باشد. خدای رب العالمین را سپاس و ستایش می‌کنیم بر این نعمت جلیل و عظیمی که به ما شیعیان اختصاص یافته است.»^(۳)

وی بعد از ذکر طرق روایتی فراوان برای صحیفه می‌گوید: «اما صحیفه از حیث عبارت، واضح‌تر و روشن‌تر از آن است که به بیان آید. این کتاب - همانند قرآن مجید - در اوج فصاحت است. از جهت مشتمل بودنش بر علوم الهی نیز بر کسی که کمترین اطلاعی از علوم دارد، روشن و واضح است.»^(۴)

در اعتبار صحیفه همین بس که محدثان بزرگ و مصنفان حدیث، آن را معتبر دانسته و

۱- شرح صحیفه سجادیه، ص ۵۵. ۲- ریاض السالکین، ج ۱ ص ۵۱.

۳- بحارالانوار ج ۱۱۰، ص ۶۶، وی این مطلب را در ضمن اجازه‌ای به تاریخ ۱۰۶۴ هـ ایراد کرده است.

۴- بحارالانوار، ج ۱۱۰، ص ۵۹، صورت ۴۱.

در کتب خود از آن نقل می‌کنند؛ شخصیت‌هایی چون شیخ الطائفه طوسی (م ۴۶۰هـ) در کتابهای مصباح المتهجد کبیر و صغیر خود، شیخ قطب الدین راوندی (م ۵۷۳هـ) در کتاب سلوة الحزین و تحفة العلیل، سید علی ابن طاوس (م ۶۶۴) در کتب دعایی خود، شهید اول محمد بن مکی (م ۷۸۶هـ) در کتاب المزار، ابراهیم بن علی کفعمی (م ۹۰۵هـ) در بلد الامین و شخصیت‌های برجسته دیگر. این همه نقل، شاهد صادقی است بر صحت انتساب متن این اثر به امام علیه السلام از دید بزرگان و شخصیت‌های شیعه.

۱-۳. اعتبار صحیفه از حیث روایت^(۱)

چنانکه گفتیم، علما و محدثان، نسل اندر نسل و در هر طبقه به روایت و درایت این صحیفه مبارکه اهتمام و عنایت داشتند.

میرداماد (م ۱۰۴۱هـ) می‌گوید: «اسانید طرق مشایخ و اساتید فن - رضوان الله تعالی علیهم - که صحیفه را نقل کرده‌اند، متواتر است و البته شکل‌های نقل ایشان گونه‌گون می‌باشد.»^(۲)

افندی (ق ۱۲) اظهار می‌دارد: «ما شماری از نسخه‌های صحیفه سجادیه را یافتیم که به طرق غیر مشهور روایت شده که به ده طریق می‌رسد.»^(۳) سپس هشت طریق را ذکر می‌کند.

مولی محمد تقی مجلسی (م ۱۰۷۰هـ) بعد از ذکر برخی از طرق صحیفه می‌نویسد: «آنچه که من از اسانید غیر مشهوره صحیفه دیده‌ام، بیش از آن است که به شماره آید و بی‌تردید، این اثر از آن سیدالسادین علیه السلام است. اما از جهت اسناد به مانند قرآن مجید (روشن و قطعی) است و از طرق زیدیه نیز به تواتر نقل شده است...»^(۴)

در جای دیگر، مولی محمد تقی مجلسی در مورد شمار اسانید صحیفه می‌نویسد که

۱- راجع به راویان صحیفه که شهید اول از آنان نقل کرده و کسانی که از شهید روایت کرده‌اند، بحث خواهد شد.

۲- شرح صحیفه سجادیه، ص ۵۶.

۳- صحیفه ثالثه سجادیه، ص ۱۱.

۴- بحارالانوار، ج ۱۱۰، ص ۵۹، صورت ۴۱.

تعداد آنها به پنجاه هزار سند و ۱۰۰ اسناد می‌رسد.^(۱)

مخفی نماند که مقصود از این تعداد، تعداد مشایخ اجازات است و نه راویان اصلی صحیفه؛ چرا که حتی تا امروز - یعنی سال ۱۴۲۶ هـ - روایات مختلفی در ضمن صحیفه‌های متفاوتی، در کتابخانه‌ها یا اجازات یافت می‌شود که راویان آنها به این شخصیت‌ها منتهی می‌شوند:

اول: حسین بن اشکیب مروزی از اصحاب امام هادی و امام عسکری علیهما السلام.^(۲)

دوم: علی بن مالک، به روایت از احمد بن عبدالله، از محمد بن صالح.^(۳)

سوم: علی بن حماد بن علاء.^(۴)

چهارم: ابو عیسی عبیدالله بن فضل بن محمد بن هلال نیهانی.^(۵)

۱- همان، ص ۶۱.

۲- نسخه‌ای از آن را که میرزا عبدالله افندی اصفهانی دیده و در صحیفه ثالثه ص ۱۱ از آن خبر داده، نسخه‌ای نفیس و کهن، به خط ابن مقله خطاط مشهور عصر عباسی بوده است. علامه محقق سید محمد علی روضاتی حفظه الله، نسخه‌ای از این روایت در اختیار دارد که آن را محمد باقر حسینی سلطانی شوشتری در سال ۱۱۲۳ هـ به دستور سلطان حسین صفوی به نگارش درآورده و مرکز تحقیقات کامپیوتری حوزه علمیه اصفهان به تحقیق سید احمد سجادی همراه با تقریظ علامه مذکور به چاپ رسانده است.

۳- نسخه‌ای از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۲۴۰۵ موجود است. این نسخه را حسن بن ابراهیم الزامی در سال ۴۱۶ هـ کتابت کرده که قدیمی‌ترین نسخه موجود از صحیفه است. استاد کاظم مدیر شانه‌چی در مشهد مقدس، آن را تحقیق و منتشر کرده است. نسخه دیگری در کتابخانه آیه الله مرعشی قم به شماره ۳۶۸۵ وجود دارد که آن نیز، نسخه‌ای قدیمی و به نسخ معرب است. در برگه ۲۱ این نسخه آمده است: «بلغ عند مستجمع العلوم شیخ الاسلام و المسلمین زین الملة و الدین مدّظله و ائده الله تعالی.» از این عبارت معلوم می‌شود که مراد، شهید ثانی زین العابدین بن علی عاملی (شهید به سال ۹۶۵ هـ) است. این نسخه را علامه سید محمد حسین حسینی جلالی در قم همراه با تحقیقات و توضیحات لازم و مقدمه‌ای در خور منتشر کرده است.

۴- علامه مجلسی در اجازات بحار الانوار ج ۱، ص ۱۰۹، و آقا بزرگ تهرانی در ذریعه، ج ۱، ص ۲۳۱ از آن یاد کرده‌اند.

۵- اگر این گفته صحیح باشد، نسخه‌ای از آن در کتابخانه ایاصوفیا استانبول به شماره ۲۸۱۹ موجود است.

پنجم: ابوالحسن علی بن نعمان اعلم مصری.^(۱)
 ششم: محمد بن احمد بن مسلم بن مطهر از پدرش احمد مطهر.^(۲)
 اما روایت کنندگان از این شخصیت‌ها در این مقال فراوانند که مجال برای ذکر اسامی آنان نیست.
 اما فردی که صحیفه را برای این بزرگان روایت کرده عمیر بن متوکل می‌باشد که وی نیز از پدرش متوکل عمر بن هارون بلخی روایت کرده است.
 متوکل صحیفه را از دو نفر نقل می‌کند:
 اول از امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام و ایشان نیز از والد ماجد خود امام محمد بن علی باقر علیه السلام؛ دوم یحیی بن زید و او نیز از پدرش زید بن علی علیه السلام روایت کرده است.
 هریک از بزرگواران نیز، صحیفه را از پدیدآورنده آن، امام علی بن حسین صلوات الله علیهما روایت کرده‌اند.

مبحث دوم: روایت مشهور و سبب شهرت آن

روایت مشهور و متداول عصر ما از صحیفه به دو روایت اخیر - یعنی روایت ابن اعلم مصری و محمد بن احمد بن مسلم بن مطهر بازمی‌گردد،^(۳) چنانکه از مقدمه صحیفه‌ها

۱ - نسخه‌ای از آن در کتابخانه موزه کاخ گلستان تهران به شماره ۲۱۰۵ موجود است، به کتابت یاقوت مستعصمی به سال ۶۹۴ هـ. نسخه دیگر در کتابخانه ایاصوفیه استانبول به شماره ۱۹۴۶ (کتابت سال ۶۹۷ هـ) وجود دارد.

۲ - نسخه‌ای از این روایت به شماره ۳۶۸۵ در کتابخانه آیه‌الله مرعشی است به خط حسین بن محمد حسینی شیرازی، تاریخ کتابت: روز جمعه ۱۱ ربیع‌الآخر ۶۹۵ هـ. براساس توصیف سید احمد حسینی اشکوری فهرست نگار کتابخانه، این نسخه چهل و یک دعا دارد که سیزده دعا، از ادعیه نسخه‌های معروف صحیفه کمتر است. سند این نسخه کوتاه است و مقدمه صحیفه‌های معروف را نیز ندارد. (فهرست کتابخانه آیه‌الله مرعشی، ج ۱، ص ۸۱).

۳ - یکی از فضلاء معاصر معتقد است که روایت مشهور از دو روایت که با یکدیگر ادغام شده‌اند، شکل گرفته است. در ادامه بحث، در مورد ویژگی‌های روایت مشهور، گفتگو خواهد شد.

برمی‌آید، که از جمله نسخه‌ اصل و مورد بحث ماست. در همه این نسخه‌ها، این دو طریق در مقدمه ذکر شده است.

نخستین عالمی که این روایت را بدین شکل و بدین ترتیب رواج داد، شهید اول (رحمه الله) در قرن هشتم بود. چنانکه خواهد آمد، ایشان صحیفه را دوبار به کتابت آورد و این نشانگر اهتمام وی بدین امر بوده است. و از این طریق، نسخه‌های صحیفه توسط شاگردان شهید در قرن نهم انتشار یافت.^(۱) بعد از ایشان - در قرن دهم - شهید ثانی نسخه خود را با نسخه شهید اول مقابله کرده و آن را انتشار داد. در قرن یازدهم شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی (۱۰۳۰هـ) و مولی محمد تقی مجلسی (۱۰۷۰هـ) و فرزندش علامه محمد باقر مجلسی (۱۱۱۰هـ) در نشر و توزیع آن در بلاد اسلامی بسیار کوشیدند، به گونه‌ای که اسانید صحیفه در این قرون، به چنین شخصیت‌های بزرگی می‌رسد.

مجلسی اول - رحمه الله - در شرح مشیخه من لا یحضره الفقیه و در بعضی اجازاتش علت اصلی در سبب انتشار این نسخه از میان باقی نسخ را چنین ذکر می‌کند:

«من در اوایل بلوغ در پی جلب رضایت الهی کوشا و ساعی بودم و جز یاد و ذکر خداوند تعالی آرام و قرار نداشتم، تا اینکه بین خواب و بیداری دیدم حضرت صاحب الزمان - صلوات الله علیه - در مسجد جامع قدیم اصفهان نزدیک باب طینی - که اکنون محلّ تدریس من است - ایستاده‌اند. پر ایشان - صلوات الله علیه - سلام کردم و خواستم که بر قدم‌های مبارکشان بوسه زنم، اما آن حضرت نگذاشتند و مرا گرفتند. من نیز دستان مبارکشان را بوسیدم و در مورد مسایلی که در آنها اشکال داشتم از ایشان پرسیدم...»

از جمله اینکه گفتم: مولای من! نمی‌توانم هر لحظه خدمت شما برسم. کتابی به من بدهید که همواره براساس آن عمل کنم. حضرت فرمودند: کتابی برای تو، به مولانا محمد تاج می‌دهم (من در خواب، او را می‌شناختم). سپس فرمود: برو و کتاب را از او بگیر.

۱ - در ادامه گفتار، نام شاگردان شهید اول که صحیفه را از ایشان روایت کرده‌اند، خواهد آمد.

من، از یک در مسجد که مقابل ایشان به سمت دارالبطیخ - که محله‌ای در اصفهان است - خارج شدم. هنگامی که به شخص مورد نظر رسیدم و مرا دید، پرسید: حضرت صاحب - صلوات الله علیه - تو را به سوی من فرستاده است؟

پاسخ مثبت دادم. او، از گریبان خود کتابی بیرون آورد و آن را گشود و من دیدم که آن کتاب دعا است. آن را بوسیدم و بر دیدگانم نهادم، از وی جدا شدم به سوی حضرت صاحب - صلوات الله علیه - رو آوردم. ناگهان بیدار شدم، اما آن کتاب را نزد خود نیافتم. از این رو - به خاطر از دست دادن کتاب - تا صبح تضرع می‌کردم و اشک حسرت می‌ریختم.

زمانی که نماز و تعقیبات را به پایان بردم، در ذهن خود آوردم که مولی محمد تاجا همان شیخ بهائی است که به خاطر اشتهارش در بین علماء، به تاج معروف است.

هنگامی که به محل تدریس ایشان واقع در جوار مسجد جامع آمدم، او را مشغول مقابله صحیفه یافتم. قرائت کننده صحیفه، سید صالح، امیر ذوالفقار گلپایگانی بود. لحظه‌ای نشستم تا آن مقابله را به پایان برد. و ظاهراً وی مشغول قرائت سند صحیفه بود، اما بخاطر حسرتی که در دل داشتم، کلام ایشان را نمی‌فهمیدم. به گریه افتادم و نزد شیخ رفتم و ماجرای رؤیای خود را بازگفتم، در حالی که بخاطر از دست دادن کتاب گریان بودم.

شیخ فرمود: تو را به علوم الهی و معارف یقینی و جمیع آنچه که دایم در طلب آن هستی بشارت می‌دهم. اما با این سخنان، آرامش نیافتم. به حالتی گریان و اندیشناک، از محضرش خارج شدم و در دلم افتاد که به سمتی بروم که حضرت را در خواب آنجا دیده بودم. وقتی به دار بطیخ رسیدم، مرد صالحی به نام آقا حسن ملقب به تاجا را یافتم و بر او سلام کردم. او به من گفت: تعدادی کتب وقفی نزد من است. طلبه‌هایی که این کتابها را در اختیار می‌گیرند، به شرایط وقف عمل نمی‌کنند. اما تو این شرایط را رعایت می‌کنی، بیا و این کتابها را ببین و هرکدام را خواستی بردار. همراه او به کتابخانه‌اش رفتم، نخستین کتابی که به من داد، همان بود که در رؤیا دیده بودم. به محض دیدن کتاب، به گریه افتادم و گفتم: همین مرا بس. در خاطر من نیست که آیا رؤیایی را که دیده بودم، برای او تعریف

کردم یا نه.

نزد شیخ بهاء‌الدین عاملی آمدم و به مقابله این کتاب با نسخه‌ای که جد پدری او، از روی نسخه شهید نوشته بود، پرداختم. شهید، نسخه‌اش را از روی نسخه عمید الرؤساء و ابن سکون نوشته و آن را با نسخه ابن ادریس با واسطه یا بدون واسطه مقابله کرده بود. نسخه‌ای که حضرت صاحب به من عطا فرموده بود نیز، از روی خط شهید کتابت شده بود و کاملاً مطابق با آن نسخه بود، حتی در حواشی.

بعد از فراغت یافتن از کار مقابله، دیگران نیز از روی نسخه من مقابله کردند. و به برکت عطیه حضرت صاحب الزمان - صلوات الله علیه - صحیفه کامله سجادیه در تمامی بلاد منتشر گشت، به ویژه در اصفهان. در نتیجه بسیاری از مردم نسخه‌های متعدّد از صحیفه داشتند و اکثر ایشان جزو صلحا و اهل دعا و بسیاری نیز مستجاب الدعوه شدند. و این آثار و برکات، معجزه‌ای از حضرت صاحب الامر علیه السلام بود. علومی را که خداوند به سبب این صحیفه به من عنایت فرمود، نمی‌توانم برشمرد. این از فضل خداوند بر ما و بر مردم است و الحمد لله رب العالمین»^(۱)

فرزندش علامه مجلسی در این باره می‌گوید: «پدرم - قدس الله روحه - حدود پنجاه سال برای تحصیل و ترویج و تبیین اسرار و انوار درخشان این صحیفه کوشید. و در هر سال، بطور مکرر با این نسخه مدارست و ممارست داشت، تا آنجا که نسخه‌های مصحّح و مضبوط از این صحیفه در جمیع بلاد شایع و تکثیر شد.»^(۲)

از همین رو، مجلسی اول افتخار می‌کند به اینکه به لقای حضرت بقیة الله الاعظم - ارواحنا و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - مشرف شده و توانسته به شرف مناو له‌ای که ذکر کردیم و خود وی نیز در اکثر اجازاتش آورده است، برسد. از جمله در اجازه‌ای که بعد از اجازة شهید ثانی به فرزندش داده، بدین عبارت نگاشته است:

«به فرزند عزیزم اجازه می‌دهم که این صحیفه را از من به این اسناد از امام ساجدین و

۲ - الفرائد الطریفه، ص ۵.

۱ - شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۱۴، ص ۴۱۸.

زین العابدین و العارفین علی بن الحسین بی ابی طالب علیه السلام روایت کند و نیز اجازه می‌دهم اسنادی را که بدون واسطه از صاحب‌الزمان سلام الله علیه در روایبی که دیدم روایت کند و نیز سایر اسانیدی که به هزار هزار سند می‌رسند.» (۱)

ان شاء الله بحث در زمینه طرق روایی مشهور صحیفه خواهد آمد.

مبحث سوم: علل اختلاف روایات

روشن شد که این صحیفه به روایت عمیر بن متوکل و او نیز از پدرش به ما رسیده و بعد از ایشان صحیفه انتشار یافته و عده‌ای از اعلام و محدثان، آن را از این دو نفر روایت کرده‌اند. حال این مسأله باقی می‌ماند که چرا بین این روایات، اختلاف وجود دارد؟ با نگاهی به نسخه‌های چاپی یا خطی این صحیفه‌ها، تفاوت‌های آشکاری بین آنها دیده می‌شود. این تفاوت‌ها، در مقدمه، تعداد دعاهای، برخی الفاظ، تقدیم و تأخیر، تداخل برخی ادعیه با یکدیگر، وجود عبارتی در یک نسخه و نبود آن در دیگری - و مانند آن - است. چگونه این تفاوت‌ها در دعاهای صحیفه وجود دارد، با آنکه مصدر و منبع و راوی همه یکی است؟!

برای پاسخگویی به این مطلب و روشن شدن حقیقت، به تحقیقی عمیق و مفصل نیاز است که در این مقال، مجال برای توضیح و بیان آن مباحث نیست، اما به دلیل ضرورت بحث، در اینجا به اجمال بدان می‌پردازیم؛ باشد که به حل این اشکال کمک کند.

واضح است که در زمان انشاء دعاهای صحیفه توسط امام علی بن حسین زین العابدین برای فرزندانش امام محمد بن علی باقر و زید بن علی علیه السلام اختلافی در متن ادعیه صحیفه وجود نداشته است. همچنین دانستیم که این دو بزرگوار، نخستین راویان صحیفه‌اند و کتابت و نشر آن توسط این دو فرزند امام صورت گرفته است. طبیعاً نمی‌توان تفاوت در روایت و نقل ادعیه از این دو بزرگوار را فرض کرد؛ مقدمه صحیفه به روشنی این احتمال را منتفی می‌سازد. وقتی امام صادق جعفر بن محمد علیه السلام به متوکل اجازه

می‌دهد که نسخه خود را با نسخه جناب زید مقابله کند، متوکل پس از مقابله می‌گوید: «من نگرستم، و هر دو نسخه را کاملاً یکسان دیدم، به گونه‌ای که در هیچ حرفی تفاوتی با هم نداشتند.»

بدین صورت، احتمال وقوع اختلاف در روایت امام محمد باقر و زین بن علی علیهما السلام منتفی می‌گردد.

از آنجا که متوکل، صحیفه خود را براساس آن دو صحیفه تدوین کرده، احتمال وقوع تفاوت و اختلاف در صحیفه متوکل نیز، از میان می‌رود. پس این تفاوت از کجا آمده است؟ در پاسخگویی به این سؤال باید مواردی چند را به طور اجمال توضیح دهیم:

۱-۳. کمی و زیادی دعاهای صحیفه، فقدان عبارتی در یک نقل، نقل به معنی شدن در کلمات و تقدیم و تأخیر در برخی دعاهای می‌تواند ناشی از نسیان یا عوامل دیگری باشد، چرا که در آن زمان، صحیفه از تعدادی ابواب و اوراق گردآوری شده بود. همچنین احتمال می‌رود که هر بابی از آن در صحیفه‌ای مستقل و منفصل از بقیه صحیفه‌ها بر روی پوست و اشیای دیگر نوشته شده بود و به مرور زمان، برخی از آن صحیفه‌ها از بین رفته یا در ترتیب و تسلسل آنها تفاوت‌هایی پدید آمده باشد. در نتیجه، اختلاف و تفاوت بین صحیفه‌ها از اینجا ناشی می‌شود.

شاهد بر این مدعا، روایت ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی است که به سند خود روایت می‌کند از ابو حمزه ثمالی که گفت:

«صحیفه‌ای خواندم شامل کلامی در باب زهد، از امام علی بن حسین علیهما السلام. آن صحیفه را نوشتم. سپس به خدمت حضرتش رفتم و آن نوشته را بر آن جناب عرضه کردم. حضرت، کلام را تأیید و تصحیح فرمود.»^(۱)

همچنین کلام متوکل بن هارون راوی صحیفه، این مطلب را تأیید می‌کند:

«ابو عبدالله امام صادق علیه السلام ادعیه را بر من املا فرمود که ۷۵ باب بود، که یازده باب از

۱- الکافی، ج ۸، ص ۱۴، ح ۲؛ الفهرست، ص ۶۸، رقم ۱۳۸.

نسخه من ساقط شده بود، در نتیجه شصت و چند باب را نگاه داشتم.»^(۱)

با این همه، دعاهای موجود از صحیفه که از طریق روایت مشهور به ما رسیده، پنجاه و چهار دعا است. این نکته، جای تأمل دارد.

علت دیگر فقدان برخی از دعاهای صحیفه به کاتبان یا راویان مربوط می‌شود. این مسأله از نسخه‌ای از صحیفه به روایت علی بن مالک، که استاد محقق سید محمد حسین جلالی تحقیق و منتشر کرده برمی‌آید که تعداد ادعیه آن چهل و یک دعاست.^(۲) در مقابل، در چاپ دیگری از صحیفه به روایت همان راوی یعنی علی بن مالک که مرحوم استاد کاظم مدیرشانه‌چی منتشر کرده، می‌بینیم که در آن سی و هشت دعا آمده است و این به وضوح دلالت بر آن دارد.

۲-۳. حدیث شریف، از ابتدای پیدایش تا زمان حکومت عمر بن عبدالعزیز، دستخوش تغییرات متفاوت و مختلف شد، از جمله آنکه در برخی مقاطع تاریخ صدر اسلام، نقل همه احادیث یا برخی از آنها ممنوع گردید. در نتیجه قضایای عجیب و غریب بر حدیث گذشت، از جمله: سوزاندن، به آب افکندن و در خاک کردن احادیث و غیر آن. در خلال این مدت طولانی، به خاطر ترس و یا اطاعت از حکومت، نقل و رواج احادیث، متروک و مهجور شد. این عامل در فقدان و ضایع شدن بخشی از احادیث مؤثر بود. علاوه بر آن، در پی عارض شدن فراموشی و نسیان بر حفاظ حدیث، به اجمال یا تفصیل، برخی احادیث نقل به معنی شد و بطور کلی آثار و تبعات سوئی را بجای گذاشت...^(۳)

پژوهشی در نسخه‌شناسی اول از صحیفه سجاده



ممنوعیت نقل احادیث - بویژه در مورد شیعیان آل محمد علیهم‌السلام - به شدت اجرا می‌شد. هرکس صفحات تاریخ را مطالعه کند، بالعیان آن را می‌بیند: کتابهای شیعه را - به

۱ - بنگرید به: مقدمه صحیفه سجاده.

۲ - در مبحث روایتهای صحیفه، از نسخه‌ای که از طریق علی بن مالک روایت شده ذکر می‌شود که در میان آمد.

۳ - البته این نکات، از ارزش و حجیت و اعتبار حدیث نمی‌کاهد، چرا که حفاظ و محدثان بزرگ که اعتقادی به ممنوعیت حدیث نداشتند، احادیث را حفظ و نگهداری کرده و محافظت از احادیث را - چه به صورت کتابت یا حفظ در سینه - نصب العین خود قرار داده بودند، بویژه شاگردان مکتب وحی و پیروان اهل بیت علیهم‌السلام.

دلیل همراهی نکردن با حکومت‌های جور - سوزاندن؛ درباره آنها جرم‌هایی مرتکب شدند که روی تاریخ را سیاه کرده و هر ناظر بی طرف را به مظلومیت آنان واقف می‌سازد.

در نتیجه آن وضعیت دشواری که برای اهل بیت نبوت علیهم‌السلام پدید آمد، مدتی صحیفه سجادیه در دسترس قرار نگرفت، چنان که از مقدمه آن برمی آید، به گونه‌ای که یحیی بن زید بن علی بن الحسین علیه‌السلام صحیفه را مخفیانه و پنهانی و با احتیاط کامل در اختیار متوکل قرار داد. چرا که از کشته شدن یا نابودی اثر توسط دشمنان آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در امان نبودند. یحیی صحیفه را به متوکل بلخی سپرد که آن را به پسرعموهایش محمد و ابراهیم فرزندان عبدالله بن حسن در مدینه برساند. این کار، اندک زمانی قبل از کشته شدن و به دار آویخته شدن یحیی بود. در آن حال به او گفت: «نگرانم از آن که این دانش در اختیار بنی‌امیه قرار گیرد و آن را کتمان کنند و در پستوهای خویش پنهان دارند. پس آن را بگیر و پنهان دار و با تمام توان در نگاهداری آن بکوش.»

امام جعفر صادق علیه‌السلام نیز در هنگام دادن صحیفه به فرزندان عبدالله بن حسن فرمود:

«این صحیفه را از مدینه بیرون نبرید.»

حضرتش در زمینه علت آن فرمود:

«پسر عموی شما، در مورد این صحیفه، از مطلبی نگرانی داشت که من نیز نسبت به آن

امر، بر شما نگرانم.»

سالها بدین منوال گذشت، تا این که زمان ظهور و بروز این گنج پنهان فرا رسید، که با رعایت تمام جوانب دقت و احتیاط، این صحیفه در تمام خانه‌ها، بلکه در خانه دل‌ها جای گرفت، تا روح عبودیت را همواره در انسان‌ها بدمد.

۳-۳. احتمال قوی می‌رود که برخی از آن دعاها، از راوی اول یعنی متوکل ساقط شده باشد، در نتیجه برخی از آن ادعیه را راویان به دلایل گوناگون نقل نکرده باشند. این نکته به عقاید راویان بستگی داشته است، چرا که این ادعیه را عده‌ای از محدثان شیعه و سنی روایت کرده‌اند.

راویان شیعه برخی از ادعیه را از روی ترس و تقیه تدوین نکرده و انتشار ندادند و تنها

در حافظه‌ها نگاه داشتند؛ زیرا که مضامین برخی از این دعاها بیان مظلومیت آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و شکایت از حکام جور در آن زمان بوده، مانند لعن امام سجاده عَلَيْهِ السَّلَام بر اهل شام و بنی امیه و لعن دشمنان آل محمد و ستمگران برایشان یا دعاهایی که از ایشان در ذکر آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ترغیب مردم به پیروی از ایشان وارد شده و یا دعاهایی که در کتابهای دعایی و ملحقات صحیفه آمده و خشم امرا و حکام وقت را برمی‌انگیخته است. مسلم است که اهل سنت امثال چنین دعاهایی را نقل نمی‌کنند، چرا که مخالف مبانی فکری و اعتقادی آنان - یعنی تبعیت از نظر و رأی سلطان - است.

مبحث چهارم: معرفی نسخه شپید یا نسخه اصل، و شرح اجازات و مقابله‌ها و بیان اصالت آن

نسخه مذکور در کتابخانه علامه سید محمد تقی بن سیدالعلماء حسین بن دلدار علی بن محمد معین بن عبدالهادی نقوی رضوی نصیرآبادی لکهنوی مشهور به ممتاز العلماء موجود است.

سطوری چند راجع به زندگانی ایشان (۱)

وی فقیه، متکلم، مفسر، نحوی و از اکابر علمای امامیه بشمار است. ممتاز العلماء در لکهنو سال ۱۲۳۴ متولد شد و رشد و نمو یافت و مبادی علوم را آموخت. وی از پدر فقیه خود سید حسین (۱۲۷۳هـ) و عموی فقیه‌اش سید محمد (۱۲۸۴هـ) کسب فیض نمود، آنگاه از این دو تن و شیخ محمد حسن بن باقر نجفی صاحب جواهر به دریافت اجازه نایل شد.

وی به مرتبه‌ای عالی از علم و دانش رسید و مسئولیتها و مشاغل دینی را برعهده داشت و کتابخانه بزرگی تأسیس کرد که در آن بسیاری از نفایس مخطوطات نگهداری می‌شد و در بلاد هند مشهور گردید.

۱- شرح حالش در این کتابها آمده است: اعیان الشیعه ۹: ۱۹۱، ریحانة الادب ۶: ۶، الذریعه ۱: ۵۱۸ و ۱۵: ۲۰۳ و ۲۳: ۱۹۴، الکرام البرره ۱: ۲۱۱، الاعلام ۶: ۶۳، معجم المؤلفین ۹: ۱۲۸، فرهنگ بزرگان: ۴۷۹.

وی آثار و تألیفات متعددی دارد، از جمله: ارشاد المبتدئین إلى احکام الدین (چاپ شده)^(۱)، مرشد المؤمنین فی الفقه^(۲)، ظهیر الشیعه فی احکام الشریعه (چاپ شده)، رساله فی الموارث، مسأله فی ذبیحة اهل الكتاب (چاپ شده)، هداية المسترشدين فی شرح تبصرة المتعلمين^(۳)، ینابیع الانوار فی تفسیر کلام الجبار^(۴)، الدعوات الفاخرة فی الادعية الماثوره عن العترة الطاهرة^(۵) و آثاری دیگر.

این دانشمند بزرگ در ماه رمضان ۱۲۸۹ رحلت کرد. وی فرزندى فقیه به نام سید محمد ابراهیم (متوفای ۱۳۰۷ هـ) داشته است.^(۶)

اما نسخه:

علامه عبدالحسین امینی نجفی (۱۳۲۲ - ۱۳۹۰ هـ) صاحب کتاب الغدیر این نسخه را رؤیت کرده و از آن در «صحیفة المکتبة» چاپ مکتبه امیرالمؤمنین علیه السلام نجف به سال ۱۳۷۳ هـ خبر داده است.^(۷)

اما علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی نسخه را ندیده و در ذریعه گفته است: «نسخه صحیفة به خط شهید اول در کتابخانه سید محمد تقی بن حسین بن دلدار - برحسب گفته نوه وی سید علی تقی در تراجم المشاهیر - وجود دارد.»^(۸)

تصویری از این نسخه را مرحوم سیدمهدی گلپایگانی - رحمه الله - در سفرش به هند بدست آورد که اکنون در کتابخانه آیه الله گلپایگانی - رحمه الله - یافت می شود و مدیر کتابخانه استاد محترم ابوالفضل عربزاده - دامت توفیقاته - در اختیار ما گذاردند. برای اینکه بر خواننده محترم اصالت این نسخه و نسخه های اساس و اصیل و حال

- ۱ - الذریعه ۱: ۵۱۸ / ۲۵۳۰. ۲ - الذریعه ۲۰: ۳۰۸ / ۳۱۲۴. ۳ - الذریعه ۲۵: ۱۹۴ / ۲۲۷.
- ۴ - الذریعه ۲۵: ۲۸۷ / ۱۵۳. شیخ آقا بزرگ می گوید: این کتاب تفسیری کبیر است... که تا سورة آل عمران در دو مجلد ضخیم مفصلاً نگاشته شده است. نوه او سید علی تقی بن ابی الحسن بن ابراهیم بن مصنف می گوید: از این تفسیر، سه جزء در سه مجلد نوشته شد.
- ۵ - الذریعه ۸: ۲۰ / ۸۰۳.
- ۶ - در الذریعه ج ۴، ص ۴۱۸، کتاب «تکملة ینابیع الانوار» را برای وی نام برده است.
- ۷ - صحیفة المکتبة، رقم ۳۱، ص ۲.
- ۸ - الذریعه ۱۵: ۱۹.

کاتبان آنها و طبقه هریک از ایشان مشخص شود گفتار را در دو مبحث می آوریم:
اول: کاتبان هریک از این نسخه‌ها و شرح حال اجمالی هریک از آنها.
دوم: توصیف نسخه‌های ایشان و نسخه‌ اساس که از روی آن استنساخ کرده‌اند.

۴ - ۱ . نسخه اساس : نسخه شهید و شرح حال اجمالی وی

امام اعلم اکمل، آية الله في العالمين، صفوة الشهداء، شمس الدين محمد بن مکی الشیخ جمال الدین مکی بن الشیخ شمس الدین محمد حامد بن بن احمد مطبئی عاملی نباطی جزینی معروف به شهید اول و شهید مطلق - رضوان الله تعالی علیه و قدس سره الشریف.

این فقیه والامقام، مشهورتر از آن است که به وصف آید و شخصیت والایش غیرقابل انکار است.

در جزین (واقع در جنوب لبنان) بعد از سال ۷۲۴ هـ متولد یافت و در دمشق پنجشنبه جمادی الاولی ۷۸۶ هـ به شهادت رسید.

اولین معلم وی پدرش شیخ جمال الدین است که از علمای جزین بود. شهید ما بعد از اتمام دروس مقدماتی به شهر حله در سال ۷۵۱ هـ رفت، در حالی که سنش به هفده نمی‌رسید. حله در آن زمان از بزرگترین مراکز علمی شیعه محسوب می‌شد و علما و فقها و محدثان از آنجا برخاستند، چون فخرالمحققین محمد بن حسن بن یوسف حلی پدر علامه حلی (۶۸۲ - ۷۷۱ هـ)، سید عمید الدین عبدالمطلب حسینی حلی، برادرش ضیاءالدین عبدالله بن اعرج، تاج الدین محمد بن قاسم بن موعیه حسینی، شیخ حسن بن احمد بن نجیب الدین محمد بن جعفر بن نمای حلی، و شماری دیگر از عالمان.

شهید اول نزد ایشان به تعلّم علوم پرداخت و فقه و اصول و حدیث از اساتید بزرگ فراگرفت تا به عالی‌ترین درجات علمی و فقهی رسید و تا سال ۷۵۷ هـ در حله سکونت داشت. سپس به جزین بازگشت و در آنجا با تأسیس مدرسه‌ای به تدریس علوم پرداخت. وی به برخی از شهرها چون مکه، مدینه، بغداد، دمشق، فلسطین مسافرت کرد و از حدود چهل تن از مشایخ شیعه و سنی کسب علم کرد. وی فقیه، اصولی، محدث ادیب و

شاعری توانمند بود:

ولا یحذب الافکار مثل تعسف ولا یخصب الافکار مثل التفتیح

استاد وی فخرالمحققین، در اجازه‌ای که بدو داده، وی را این چنین توصیف می‌کند:
«مولانا الامام العلامة الاعظم، افضل علماء العالم، سیّد فضلاء بنی آدم، مولانا شمس الحق
والدین محمد بن مکی بن حامد ادام الله ایامه...».

شیخ شمس الائمه محمد بن یوسف بن علی کرمانی قرشی شافعی نیز در اجازه‌ای که
به وی نوشته است، او را چنین معرفی می‌کند: «المولی الاعظم الاعلم، امام الائمه، صاحب
الفضلین، مجمع المناقب و الکلمات الفاخرة، جامع علوم الدنيا و الآخرة...».
شهید اول از کسانی است که آثار ارزشمندی در حدیث، فقه و کلام از خود بجای
گذاشته و تا به امروز با مؤلفات خویش به فرهنگ شیعه غنا بخشیده است.

نسخه شهید:

شهید، صحیفه سجادیه را دو مرتبه نگاشت: یک بار در سال ۷۷۲ هـ و بار دیگر در
سال ۷۷۶ هـ. شمس الدین محمد جبعی جدّ شیخ بهائی، از روی نسخه شهید رونویسی
کرد و سپس آن را با نسخه دوم مقابله نمود.

مجلسی دوم عین عبارت جبعی را آورده است:

«آن را با نسخه دیگری به خط شیخ محمد بن مکی - نوشته شده در سال ۷۷۶ - مقابله
کردم. نسخه‌های اساس در مورد آن، همان نسخه‌های اساس نسخه اول است. و من تمام موارد
را عیناً از روی نسخه نوشتم، مگر برخی موارد رایج در میان کاتبان، مانند ترک حرف همزه و
آوردن الف در موردی که لام الفعل، او باشد و مانند آن.»

نسخه‌ای که اکنون در اختیار داریم همان نسخه اولی است که در تاریخ ۱۱ شعبان
سال ۷۷۲ هـ یعنی ۱۴ سال قبل از شهادت شهید کتابت شده و خود شهید در صفحه دوم
بدان اشاره کرده است که بیانش خواهد آمد و بر پشت صفحه اول آمده است: «دعاء
الصحیفة الكاملة عن مولانا زین العابدین علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب صلوات الله
علیه، انتهى.»

شهید این نسخه را به فرزند دانشمندش ضیاءالدین علی اهدا کرده و شاید این اهدا باعث حفظ و ایمنی نسخه تاکنون شده باشد، بخصوص آنکه نام ضیاءالدین علی در بسیاری از طرق روایی صحیفه آمده. در سمت راست این صفحه، یا نص عبارت به خط شهید آمده است: «للولد الأعزّ المعتضد قرّة العین ابی القاسم علی بن محمد بن مکی نفعه الله بها و رزقه بما فیها (و استجاب لی؟) دعاه بمحمد و آله صلوات...»^(۱)

شهید در صفحه دوم، درباره نسخه‌هایی که از روی آنها صحیفه را نقل کرده، می‌نویسد:

«نقلت هذه الصحيفة من خط علی بن احمد السدید، و فرغت فی حادی عشر شعبان سنة اثنتین و سبعین و سبعمائة.»

شهید، بعد از استنساخ، آن را با اصل نسخه مقابله کرده و در سمت راست بالای صفحه دوم تصریح کرده است: «عارضتها بأصلها المذكور، و فیها مواضع مهمة التقیید فنقلتها علی ما هی علیه، و الحمد لله و صلواته و سلامه علی سیدنا محمد و آله، و کتب محمد بن مکی.»

۴ - ۲. دومین نسخه اصلی

نسخه سدید و زندگانی او

شیخ سدیدالدین علی بن احمد معروف به سدید حلی. میرزا عبدالله افندی اصفهانی درباره‌اش می‌نویسد: «فاضل عالم جلیل، از دانشمندان متقدم بر شهید، که شهید صحیفه کامله سجادیه را از روی نسخه به خط ایشان نقل کرده است و او از خط شخصیت مشهور شیخ علی بن سکون روایت و با آن مقابله کرده... از آثار تألیفی وی اطلاعی ندارم.»^(۲)

این نسخه از روی نسخه به خط راوی صحیفه شیخ عالم لغت‌دان علی بن سکون نحوی استنساخ و کتابت شده که علی بن سکون به نوبه خود از بهاء الشرف آن را روایت کرده است.

شیخ سدید در سال ۶۴۳ بر نسخه خود - حسب آنچه که شهید نقل کرده - نوشته است:

«تقلت هذه الصحیفه من خط علی بن سکون و تتبّع اعرابها عن أقصاه حسب الجهد، الّا ما زاغ عنه النظر و حسر عنه البصر، و ذلك فی شهر ذی الحجه سنه ثلاث و اربعین و ستمائة». شیخ سدید بعد از استنساخ، آن را با نسخه ابن سکون مقابله کرده و نگاشته است: «بلغت مقابله و تصحیحاً بالنسخة المنقول منها، فصحّحت بحسب الجهد، الّا ما زاغ عنه النظر و حسر عنه البصر، و ذلك فی شهر ذی الحجة من سنة ثلاث و اربعین و ستمائة و لله الحمد و المنة.»

شهید ثانی زین العابدین بن احمد شامی (۹۶۵هـ) تصریح کرده است که نصّ مذکور به خط شیخ سدیدالدین علی بن احمد حلی بوده است. (۲)

۱ - نسخه‌ای از صحیفه موجود است که آن نیز از روی نسخه سدید نوشته و با آن بدون واسطه مقابله شده و هرآنچه در نسخه شهید آمده در این نسخه نیز بعینه وجود دارد. این نسخه در کتابخانه آیه الله مرعشی به شماره ۱۳۱۴۰ محفوظ است. محمد بن فقیه ابراهیم آن را در ربیع الآخر سال ۸۵۳هـ استنساخ کرده و بار دیگر در سال ۱۰۷۰ محمد بن حسن حسینی عینائی از علمای قرن ۱۱ (صاحب کتاب المواعظ العدویه) آن را با نسخه شهید ثانی مقابله کرده و هرآنچه که در نسخه شهید ثانی بوده نقل کرده است. همچنین تصویری از صحیفه محفوظ در کتابخانه دانشگاه الهیات مشهد به شماره ۱۰۰۹ به دستم رسید که در ۱۸ ذی قعدة ۹۷۳هـ نگارش یافته و کاتب آن از روی نسخه‌ای که مقابله ابن سکون و ابن ادریس بر آن دیده می‌شود، استنساخ کرده و شاید این نسخه‌ای که از روی آن رونویسی شده، نسخه سدید باشد. بنگرید: فهرست دانشکده الهیات مشهد ۲: ۱۶۳.

۲ - بحارالانوار ۱۰۸: ۱۳۴.

نسخه ابن سکون و شرح حال وی

ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن علی بن محمد بن سکون حلی نحوی شاعر، متوفای حدود ۶۰۰ هـ است. شیخ حرّ عاملی درباره او تعبیر فاضل، صالح، شاعر، ادیب را به کار می‌برد.^(۱)

افندی اصفهانی می‌گوید: «فاضل، عالم، عابد، ورع، نحوی، لغوی، شاعری دانشمند، فقیه معروف به ابن سکون، وی از علمای موثق شیعه است.»^(۲)

یاقوت حموی درباره اش می‌گوید: «علی بن محمد بن علی بن سکون حلی ابوالحسن از حله بنی مزید در سرزمین بابل، آگاه به نحو و لغت، خوش فکر و شیفته و علاقه مند به تصحیح کتب بود... نیکو شعر می‌گفت... در حدود ۶۰۰ از دنیا رفت و تألیفاتی از خود بجا گذاشت.»^(۳)

سیوطی به نقل از ابن نجّار می‌گوید: «وی نحو را از علی بن خشّاب و لغت را از ابن عصار آموخت. فقه را براساس مذهب شیعه فراگرفت و در آن میرز شد و به تدریس پرداخت. وی فردی متدین، اهل نماز شب، با سخاوت و با مروّت بود. به مدینه مسافرت کرد و در آنجا سکنی گزید و کاتب امیر آنجا شد. بعد به شام آمد و در مدح سلطان صلاح الدین اشعاری را ایراد کرد؛ از جمله شعر ذیل:

خذا من لذیذ العیش ما رقّ أوصفا و نفسکما عن باعث الهم فاصرفا
 ألم تعلم أنّ الهموم قواتل و أحجی الوری من کان للنفس منصفا
 خلیلی إنّ العیش بیضاء طفلة إذا رشف الظمان ریقتها اشتفی (۴)

۱- امل الآمل ۲: ۲۰۳ / ۶۱۵. ۲- ریاض العلماء ۴: ۲۴۱.

۳- معجم الادباء ۱۵: ۷۵ / ۱۵، به وی تهمت نصیریّه بودن را می‌زنند، در حالی که میرزا از آن است.

۴- بغیة الوعاة، ج ۲، ص ۱۹۹، رقم ۱۷۸۴.

نسخه ابن سکون

در زمینه اصالت نسخه ابن سکون باید گفت که وی صحیفه را بدون واسطه از شیخ اجل نجم‌الدین بهاء‌الشرف ابوالحسن محدبن حسن بن احمدبن علی بن محمدبن عمر بن یحیی علوی حسینی نقل کرده است. وی همانی است که نامش در اول اسانید صحیفه ذکر شده، چنانکه در اجازات صحیفه آمده است.

تا اینجا مشخص شد که نسخه شهید از روی نسخه سدید برگرفته شده و نسخه سدید از روی نسخه ابن سکون کتابت شده، و نیز اصالت نسخه شهید و نسخه‌هایی که از آنها ادعیه نقل شده روشن گردید.

مقابله‌ها و اجازات دیگری در نسخه‌های ابن سکون و سدید یافت می‌شود که هریک به عنوان اصول صحیفه شمرده می‌شوند. پس ناگزیر در مورد آنها نیز باید اطلاعاتی داشته باشیم و حال روایت آنها و طبقات هریک باید بررسی شود. که هریک از آنها را به شمار آورده‌ایم.

۴-۴. چهارمین نسخه اصل

قراءت عمیدالرؤساء و شرح حال وی

نسخه ابن سکون را عمید الرؤساء، هبة‌الله بن حامد بن احمد بن ایوب قرائت و تصحیح کرده است. وی از کسانی است که صحیفه را از شیخ اجل نجم‌الدین بهاء‌الشرف ابوالحسن محمدبن حسن بن احمدبن علی بن محمدبن عمر بن یحیی علوی حسینی - که نامش در ابتدای اسانید صحیفه آمده - روایت کرده است.

عمید الرؤساء اجازه و قرائتی مورخ ۶۰۳ هـ برای ابوجعفر قاسم بن معیه^(۱) نگاشته

۱ - سید جلال‌الدین ابوجعفر قاسم بن حسن بن محمد بن ابومنصور حسن بن احمد بن معیه بن سعید دیباجی حسنی. ابن عنبه (۸۲۸ هـ) در عمدة الطالب ص ۱۶۵ او را به عنوان سید جلال‌الدین ابوجعفر بن حسن زکی الثالث توصیف کرده و در مورد وی می‌گوید: وی یکی از رجال علویین است. سپس مطالبی راجع به وی و وزیر ناصرین مهدی حسنی و دیگران نقل می‌کند.

محدث شیخ حر عاملی در امل الآمل ۲: ۲۱۹ / ۶۵۵ عبارت «فاضل صدوق» را در موردش آورده است.

که عین عبارتش چنین است:

«قرأها عليّ السيد الأجلّ النقيب الأوحد العالم جلال الدين عماد الإسلام، أبو جعفر القاسم بن الحسن بن محمد بن الحسن بن معية، أدام الله علوه، قرأت صحيفة مهذّبة رويتها له عن الشيخ بهاء الشرف أبي الحسن محمد حسب ما وقفته عليه و حدّته له، و كتب : هبة الله بن حامد بن احمد بن أيوب في شهر ربيع الآخر من سنة ثلاث و ستّمائة، و الحمد لله الرحمان الرحيم، و صلواته و تسليمه على رسوله سيدنا محمد المصطفى و على آله الغرّ اللّهاميم»^(۱)

عمید الرؤساء. همان رضی‌الدین ابومنصور عمید الرؤساء هبة الله بن حامد بن احمد بن ایوب بن علی بن ایوب حلّی لغوی است که میرداماد (م ۱۰۴۱ هـ) در وصفش می‌گوید: «أنه من ائمة علماء الادب و من افاخم اصحابنا»^(۲)

قفطی (۶۲۴ هـ) درباره او می‌نویسد: «وی شخصی ادیب و آشنا به ادبیات عرب و لغت، اهل حله مزیدیه که از ابومحمد عبدالله بن احمد بن احمد بن خشاب و ابوالحسن علی بن عبدالرحیم رقی معروف به ابن عصار و دیگران تلمذ کرد و به حله بازگشت. عده‌ای از محضر او کسب فیض کردند و اشعاری نیز دارد.»^(۳)

یاقوت حموی (۶۸۹ هـ) در معرفی وی می‌گوید: «وی ادیبی فاضل نحوی لغوی شاعر و از مشایخ و اساتید عصر و شهر خود بود که اهل آن شهر از وی ادبیات را فرا می‌گرفتند. او نیز از ابوالحسن علی بن عبدالرحیم رقی معروف به ابن عصار و دیگران کسب علوم کرد. وی آثاری

افندی در ریاض العلماء ۴ : ۳۹۵ وی را «الفقیه الفاضل العالم الجلیل العظیم الشأن» معرفی کرده است. ابن مُعیّة جد اعلای فقیه نسابه تاج‌الدین محمد بن قاسم بن حسین بن قاسم صاحب ترجمه است نه پدر او، چنانکه حرّ عاملی و افندی در کتابهایشان یادآور شده‌اند. تاج‌الدین محمد که سال ۷۷۶ هـ وفات یافت، از مشایخ شهید اول است که شهید، صحیفه را از وی و او با چهار یا سه واسطه آن را روایت کرده، از جمله از جد خود ابن معیه که از طرف عمید الرؤساء و او از بهاء الشرف اجازه داشته‌اند (رجوع کنید به بحار الانوار، کتاب الاجازات، مجلد ۱۱۰).
۱- نیز علامه مجلسی نیز در بحار الانوار ج ۱۰۷ ص ۲۶ این اجازه را از نسخه‌ای از صحیفه به خط شیخ حسین بن حسن بن حسین بن محمد قصبانی آورده که تاریخ کتابت‌ش سال ۳۳۳ (ظاهرأ ۸۳۳) می‌باشد.

۲- شرح صحیفه سجاده ص ۵۶.

۳- انباء الرواة علی انباء النحاة ۳: ۳۵۷ / ۸۰۳.

در نظم و نثر دارد. وی را وجه دویبه لقب داده بودند. مقامات را از ابن نقور روایت کرده در سال ۶۱۰ در گذشت.» (۱)

شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ هـ) می‌نویسد: «وی فاضلی جلیل و صاحب تألیفاتی است و از وی، سید فخر روایت می‌کند.» (۲)

میرزا عبدالله افندی در وصف او گوید: «الامام الفقیه الفاضل الحافل الادیب الکامل الامامی المعروف بعید الرؤساء.» (۳)

میرزا عبدالله اصفهانی، به نقل از خط ابن علقمی وزیر شیعی - که بر روی برخی از نسخه‌های مصباح شیخ طوسی نگاشته - می‌آورد:

«این نسخه را عمید الرؤساء ابومنصور هبة الله... لغوی حلّی نگاشته... که از اخیار و صالحان و معتبدان بود، و از فرزندان مشهور کاتبان به شمار می‌آمد. آخرین مجلسی که این کتاب را بر او قرائت کردم، در سال ۶۰۹ بود. در همان سال، در سنتی متجاوز از هشتاد در گذشت.» (۴)

۴ - ۵ . پنجمین نسخه اصلی

نسخه ابن ادريس و شرح حال وی

سدید بعد از آنکه نسخه خویش را نگاشت و با نسخه ابن سکون مقابله کرد، بر نسخه‌ای به خط ابن ادريس دست یافت و نسخه خود را بار دیگر با خط شیخ فقیه ابی جعفر محمدبن ادريس مقابله کرد. ترجمه عبارت سدید در مورد این مقابله چنین است: «بار دوم با نسخه‌ای به خط شیخ سعید محمدبن ادريس مقابله کرد و لله الحمد در ماه ذوالقعدة سال ۶۵۴. هر آنچه در هامش و بین سطور با علامت «س» و «نسخه» مشخص شده، از خط ابن ادريس است. و آنچه بدون این علامت است، برخی به خط ابن سکون و بعضی به خط ابن ادريس بوده است. تا آنجا که کوشش ما اجازه داد. و الله الحمد. و این در ماه ذی القعدة

۲ - امل الآمل ۲: ۳۴۲ / ۱۰۵۳.

۱ - معجم الادباء ۱۹: ۲۶۴ / ۱۰۱.

۳ - ریاض العلماء ۵: ۳۰۷. ۴ - همان: ۳۰۸.

آنگاه سدید عبارت مقابله ابن ادریس را نقل می‌کند: «صورة خطّ ابن ادریس فی مقابله: بلغ العرض بأصل خبر الموجود و بذل فيه الجهد و الطاقة الا ما زاغ عنه النظر و حسر عنه البصر.»

علامه مجلسی این عبارت را از خط ابن ادریس در صحیفه خویش آورده و اضافه می‌کند: «عروض هذا الكتاب بالأصل الذي بخط المصنف رحمه الله في سنة ثلاث و سبعين و خمسمائة و كتبه ابن ادریس.»^(۱)

مراد وی از مصنف، ابوعلی فرزند شیخ الطائفه است که اسناد آن را در حاشیه صفحه اول صحیفه از نسخه ابن ادریس نقل کرده است.

مولی ابوالمعالی محمد کلباسی (م ۱۳۱۵هـ) از سید عبد الباقي - امام جمعه اصفهان - در اجازه‌ای که برای سید نجفی نگاشته، سخنی نقل می‌کند که می‌رساند نسخه ابن ادریس نزد شهید موجود بوده است. خلاصه کلام وی را در اینجا نقل می‌کنیم:

«سدیدی نسخه مشهور را با نسخه ابن ادریس مقابله کرده و موارد اختلاف را در حواشی اوراق نوشت و برای آن حرف «س» را - که رمز ابن ادریس است - قرار داد. بعد از آن شهید نیز نسخه مشهور را با نسخه ابن ادریس مقایسه و مقابله کرد و مشاهده کرد که در غیر از چند مورد آن موافق با نسخه سدیدی است. وی نیز در حواشی آنها را با علامت س مشخص کرده تا از نسخه سدیدی متمایز باشد.»^(۲)

نگارنده معتقد است که اولاً در نسخه شهید و نیز نسخه‌هایی که از روی آن با واسطه یا بدون واسطه ادعیه را نقل کرده‌اند و به دست ما رسیده، چنین مطلبی وجود ندارد، بویژه در بیانات و اجازاتی که علامه مجلسی از نسخه شهید و نسخه جمعی - که توصیف آن خواهد آمد - نقل کرده و نیز از اجازات پدر بزرگوارش مولی محمد تقی مجلسی چنین مطلبی نقل شده است.

ثانیاً قبلاً گذشت که سدید، رمز نسخه ابن ادریس را «س» گذارده، اما شهید

چنین کاری نکرده چنانکه در این نسخه به خط شهید مشاهده می شود.

نگاهی به شخصیت ابن ادریس

ابن ادریس، ابوجعفر شمس الدین محمد بن منصور بن احمد بن ادریس بن حسین بن قاسم بن عیسی عجللی متولد ۵۴۳ هـ متوفای ۱۸ شوال ۵۹۸ هـ صاحب کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، از علما و فقهای بزرگ شیعه است.

شهید ثانی زین الدین بن احمد شامی (۹۶۵ هـ) در یکی از اجازات خویش او را به عبارات «الشیخ الامام العلامة المحقق فخرالدین ابن عبدالله محمد بن ادریس العجللی» توصیف کرده است.

شیخ احمد بن نعمه الله عاملی در اجازه اش به مولی عبدالله تستری از او با کلمات «الشیخ الاجل الاوحد المحقق المنقب» یاد کرده است.

محقق کرکی رحمه الله (۹۴۰ هـ) درباره او می گوید: «الشیخ الامام السعيد المحقق، خیرالعلماء و الفقهاء، فخر الملة و الحق و الدین...»

نسخه ابن ادریس از صحیفه (۱)

این نسخه به خط شریفش تا اوایل قرن ۱۲ نزد علامه مجلسی (۱۱۱۰ هـ) بوده است، چنانکه در توصیف نسخه ای که مبنای شرح او (الفرائد الطریفه) است، بیان می دارد. وی به سدید و مقابله نسخه اش با نسخه ابن ادریس اشاره می کند و می گوید: «این نسخه (یعنی نسخه ابن ادریس) نیز نزد ما است، به خط خودش، روح الله روحه» (۲)

وی در اجازه ای که برای یکی از شاگردانش در مشهد الرضایی^(ع) نوشته در هنگام یاد کرد طریق روایت مشهور صحیفه از ابن ادریس، بیان می دارد که نسخه ابن ادریس به خط

۱- نسخه ای از صحیفه در کتابخانه رضوی به شماره ۶۸۳۶ وجود دارد، به خط محمد حسین بن کمال الدین علی فسائی به سال ۱۰۵۷ هـ که وی آن را با نسخه ادریس و شهید ثانی رحمهم الله مقابله کرده، چنانکه گذشت.

۲- الفرائد الطریفه: ۹.



خود وی نزد او بوده است.^(۱)

قبل از آن نسخه ابن ادريس نزد مولی محمد تقی مجلسی بوده چنانکه در اجازه سید عبدالباقی نواده علامه مجلسی به سید نجفی به این مطلب اشاره شده است: «مولی تقی مجلسی به صحیفه ابن ادريس به خط او دست یافت و صحیفه مشهور را با آن مقابله کرده و برخی تفاوتها را نیز در آن مشاهده کرد و در حواشی ثبت نموده و بین حلقه‌ای قرار داده است.»^(۲)

ابن ادريس شرحی بر صحیفه به صورت تعلیقه دارد.^(۳)

به هر حال، ابن ادريس صحیفه را از سه تن روایت کرده است.

اول - سید بهاء الدین الشرف راوی صحیفه مشهور.^(۴)

دوم - شیخ مفید ابوعلی بن شیخ الطائفة طوسی رحمه الله بدون واسطه^(۵)

این روایت در حاشیه برخی از صحیفه‌های مشهور آمده، از جمله نسخه‌ای که ما در صدد معرفی آن هستیم.

سوم - شیخ ابوالقاسم محمد بن ابوالقاسم طبری از ابوعلی حسن بن شیخ الطائفة با واسطه^(۶) نقل می‌کند.

این اشکال مطرح شده که ابن ادريس که در طی اجازات از ابوعلی با یک یاد واسطه روایت می‌کند، چگونه ممکن است از وی بدون واسطه دریافت کند؟ مجلسی اول رحمه الله می‌گوید: «مشهور در اسانید روایت محمد بن ادريس از ابوعلی، با یک یا دو واسطه است.»



۱ - بحارالانوار ۱۱۰: ۱۶۲. ۲ - الرسائل الرجالیة کلباسی ۲: ۶۱۵.

۳ - الذریعة ۱۳: ۳۵۸ / ۱۳۲۶.

۴ - روایت از وی در اجازات مولی محمد تقی مجلسی رحمه الله آمده است، بحارالانوار ۱۱۰: ۴۴ / ۳۸، همان: ۴۳ / ۶۵، و مواضع دیگر.

۵ - روایت از وی در اجازات مولی محمد تقی مجلسی رحمه الله آمده است، بحارالانوار ۱۱۰: ۵۲ / ۴۱ و ص ۴۳ / ۶۵ و ...

۶ - روایت از او در اجازات مولی محمد تقی مجلسی رحمه الله آمده، بحارالانوار ۱۱۰: ۴۶ / ۳۹ و ص ۶۵ / ۴۳ و ...

سپس خود در جواب این اشکال می‌گوید: «ممکن است سماع صحیفه در سنین پایین وی، و باقی روایات در بزرگسالی بوده باشد، چنانچه اکنون نیز متعارف و معمول است.» در تأیید این مطلب می‌توانیم بگوییم که ابوعلی دایی ابن ادريس بوده، چنانکه در شرح حالش گذشت. پس روایت از وی بعید نیست. (۱)

مجلسی دوم رحمه الله به نقل از والد خود رحمه الله در فرائد الطریفه فی شرح الصحیفة الشریفه در مورد سندی که در حاشیه نسخه‌ها آمده، می‌گوید: «اینکه گوینده «حدثنا» در اینجا ابن ادريس باشد و از ابوعلی بن شیخ با یک یا دو واسطه نقل می‌کند، ظاهراً با نقل بی‌واسطه او منافاتی ندارد، چرا که ابوعلی مدت طولانی عمر کرده است...» (۲)

اما خود به این مطلب قانع نشده و در رد آن می‌گوید: «این قضیه بسیار بعید است، چرا که ابن ادريس از ابوعلی، غالباً - توسط الیاس بن ابراهیم حائری و او از حسین بن رطبه از ابوعلی یا؛ از عربی بن مسافر از الیاس بن هشام و ابوعلی قاسم بن محمد بن عماد طبری و هر دو از ابوعلی روایت می‌کند و نیز از حسین بن رطبه از ابوعلی روایت می‌کند و روایت ابن ادريس از ابوعلی بدون واسطه ذکر نشده است.» (۳)

بر کلام علامه مجلسی می‌توان افزود که آخرین تاریخی که از زندگانی ابوعلی طوسی به ما رسیده است، در اسانید روایی عماد طبری است که از او در بشارة المصطفی روایت می‌کند و به سال ۵۱۵ هـ. بازمی‌گردد. بنابراین روایت ابن ادريس (تولد: سال ۴۸۶ هـ) از ابوعلی طوسی بدون واسطه بعید می‌نماید.

بدین لحاظ مجلسی می‌گوید: «ظاهراً گوینده حدثنا، ابن ادريس نیست. گوینده آن یا رطبه یا ابوالقاسم طبری یا دیگری است و کاتب آن، ابن ادريس می‌باشد.»

اما با این حال در یکی از اجازات خود به شاگردانش می‌نویسد: «ابن ادريس بدون واسطه از ابوعلی طوسی روایت کرده چنانکه در صحیفه‌ای که به خط ابن ادريس نزد او موجود می‌باشد، آمده است.» (۴)

۱- ر. ک: لؤلؤة البحرین: ۲۷۸. ۲- الفرائد الطریفه: ۱۸- ۱۹. ۳- منبع سابق.

۴- بنگرید: شرح صحیفه مجلسی؛ بحارالانوار ۱۱۰: ۱۶۲.

به اعتقاد نگارنده، روایت ابن ادریس از ابوعلی بدون واسطه درخصوص صحیفه می‌تواند به صورت وجادة از روی خط ابوعلی باشد. رابطه نسبی او با ابوعلی و قرب رامانی با او، مؤید این احتمال است.

درباره ضبط ابن ادریس

استاد علامه سید محمد حسین جلالی اظهار می‌دارد:

«به گمان من، ابن ادریس در تصحیح‌های خود اجتهاد کرده، چنانکه از مقایسه نسخه او با نسخه مشهور برمی‌آید. در تأیید این نسخه می‌گوییم که علامه مجلسی نسخه‌ای از شرح صحیفه ابن ادریس را دیده و از مقدمه او نقل می‌کند: در صحیفه، الفاظ لغوی بود که در حاشیه بعضی از آنها نکاتی نوشتیم، و این نکات را با علامت حرف س مشخص کردم.»^(۱)

نگارنده در این سخن تأملی دارد. چرا که قصد ابن ادریس از این کلام، اغلاط لغوی نیست. بلکه الفاظ مشکل را شرح و توضیح داده است.

۴ - ۶ . تحقیق در مورد گوینده حدیثنا

قبلاً دانستیم که ابن سکون، صحیفه را از بهاءالدین شرف روایت کرده است. چون این صحیفه به خط ابن سکون بوده و در آن خط عمیدالرؤساء نیز دیده می‌شود - که قبلاً روایت وی از بهاء الشرف گذشت - علمای متأخر در مورد قائل حدیثنا که در اوایل صحیفه‌های مشهور دیده می‌شود، اختلاف دارند که ابن سکون است یا عمید الرؤساء. شیخ بهاءالدین محمد قائل حدیثنا را ابن سکون دانسته و بر آن تأکید می‌ورزد و این نظریه را که عمید الرؤساء باشد، شدیداً منکر است.^(۲)

میرداماد و سید علی مدنی و جمعی از شارحان صحیفه، عمید الرؤساء را قائل آن

۱ - مقدمه سید جلالی بر صحیفه به روایت ابن همام اسکافی (۳۳۲ هـ) از علی بن مالک، ص ۷۰ - ۷۱.

۲ - میرزا عبدالله افندی در ریاض العلماء ۵ : ۳۰۹ این سخن را آورده است.



می دانند. (۱)

مجلسی اول و افندی معتقدند که بین این دو منافاتی نیست، چنانکه از اجازات صحیفه معلوم می شود که این دو عالم بزرگوار، هر دو از سید اجل بهاءالدین شرف روایت کرده اند.

با این حال نهایت آنچه که از نسخه شهید برمی آید، این است که نسخه به خط ابن سکون بوده و گوینده اول همین شخص است. بعد عمید الرؤساء بر نسخه ابن سکون اجازه ای برای ابن معیّه نگاشته با حق اجازه ای که از طرف سید بهاءالشرف داشته است. بنابراین گوینده حدثنا در نسخه نمی تواند او باشد.

نکته مهم این است که ثمره ای علمی برای مشخص کردن این گوینده وجود ندارد، چرا که عمیدالرؤساء و ابن سکون هر دو در یک طبقه اند و هر دو از شاگردان ابن عصار نحوی بوده اند. و در اجازات صحیفه که به شهید منتهی می شوند، می بینیم که او به اسناد خود از این دو و آنان نیز از بهاءالشرف صحیفه را روایت کرده اند. (۲)

تا اینجا بحث ما راجع به نسخه شهید و شرح اصول آن و معرفی کاتبان آنها به پایان رسد.

از آنجا که سند این نسخه به بهاءالشرف می رسد، بحث در اینجا از اصالت و اسناد نسخه به اسناد روایی می رسد. بنابراین شایسته است که روایان صحیفه مشهور، از قبل از شهید و بعد از وی تا گوینده حدثنا را ذکر کنیم، تا طبقات روایان این صحیفه برای خوانندگان عزیز روشن گردد.

مبحث پنجم: طرق روایت صحیفه مشهور

کیفیت نسخه صحیفه مشهور و اصولی که از آن روایت شده، روشن شد. اکنون این

۱- شرح صحیفه میرداماد: ۵۶، ریاض السالکین ۱: ۵۳.

۲- ر. ک: الفرائد الطریفه: ۱۶، خاتمه مستدرک الوسائل ۳: ۵۲، نورالانوار سید جزایری (که نسخه اش

نزدماست)، الرسائل الرجالیة ابوالمعالی کلباسی ۲: ۵۶۱ - ۵۷۱.

نکته باقی می ماند که این نسخه چگونه نگاهداری شده و کیفیت تحمّل آن از جهت اجازه مشایخ چگونه است.

اینک می گوئیم: در نظر دانشمندان شیعه، روش های تحمّل حدیث، هفت شیوه است: سماع، قرائت، اجازه، مناوّه، کتابت، اعلام، و جاده.

صحیفه مولانا امام زین العابدین علیه السلام به برخی از طرق هفتگانه فوق به دست ما رسیده است:

مناوّه - که قضیه آن را مجلسی اول - رحمه الله - بیان کرد و گذشت.

اجازه یا وجاده - که طرق آن بسیار است. باید دانست که - چنانکه شیخ حسن بن شهید ثانی تصریح کرده - بخش عمده ای از طرق مشایخ با وجود کثرت و گستردگی، پس از شیخ طوسی، به مهمترین دانشمند کوشا در جهت ترویج صحیفه مبارکه و کاتب زنده یاد آن، شیخ شهید اول می رسند.

او صحیفه را از جمع زیادی روایت کرده، چنانکه جمع زیادی از او روایت کرده اند. بگذریم از جمع زیادی که به شکل وجاده به نشر و ترویج آن پرداخته اند. جستجو از تمام افراد یاد شده، فرصتی تفصیلی می طلبد، که بسیاری از آنها را مولی محمد تقی مجلسی در اجازات خود و در آثار دیگرش آورده است.

بعلاوه، شیعه زبیده طرق زیادی برای روایت صحیفه دارند که فعلاً قصد پرداختن به آنها را نداریم. پس اکتفا می کنیم به بیان نام های کسانی که شهید اول، صحیفه را از آنها روایت کرده تا به بهاء الشرف، و از آنجا به امام سجاده علیه السلام می رسد. پس از آن، جمعی دیگر را یاد می کنیم که به طریق روایت یا وجاده از شهید اول روایت کرده اند. در اینجا نیز به یک طریق واحد شناخته شده از جانب آنها به علامه مجلسی اکتفا می شود.

پژوهشی در نسخه شهید اول از صحیفه سجاده



۵ - ۱. افرادی که شهید از ایشان صحیفه را نقل کرده است

بعد از کنکاش و جستجو در لابه لای کتب اجازات و تراجم و فهارس، اسامی آن عده از شخصیت هایی را که صحیفه را برای شیخ شهدا روایت کرده اند به شرح ذیل می آوریم:

۱) ابوطالب محمد فرزند علامه حلی حسن بن یوسف بن علی بن مطهر اسدی

مشهور به فخرالمحققین^(۱) (متولد ۶۸۲ هـ - حله - متوفی ۷۷۱ هـ). در روز ۲۰ شعبان به خانه خود در حله سال ۷۵۱ و نیز روز جمعه ۳ جمادی الاولی سال ۷۵۶ هـ به شهید اجازه داده است. علامه مجلسی عین اجازه دوم را از روی خط کسی که وی آن را از خط شریفش که بر روی جزء اول کتاب ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد نوشته شده بود نقل کرده است. جزء مذکور به خط شهید بوده و آن را بر مصنف - رضی الله عنهما - قرائت کرده است.^(۲)

۲) سید ابو عبدالله محمد بن قاسم بن حسین بن قاسم بن معیّه تاج الدین حسنی دیباجی حلی^(۳) (متوفی ۷۷۶ هـ - حله ، مدفون در حرم امیرالمؤمنین^{علیه السلام}) وی در شوال سال ۷۵۳ هـ و ۱۶ شعبان ۷۵۴ هـ به شهید اجازه داده است. مجلسی از مجموعه جباعی دو اجازه دیگر از ابن معیه را ذکر کرده که تاریخ هر دو شنبه ۱۱ شوال ۷۵۴ هجری است.^(۴)

۳) سید عمیدالدین ابو عبدالله عبدالمطلب بن محمد بن علی بن محمد بن اعرج حسینی حلی بغدادی خواهرزاده علامه حلی و شاگرد او.^(۵) شب نیمه شعبان ۶۸۱ زاده شد و در بغداد از دنیا رفت و جنازه اش در نجف اشرف به خاک سپرده شد. وی در حایر حسینی ۱۹ رمضان ۷۵۱ هـ به شهید اجازه داده است.

۴) رضی الدین ابوالحسن علی بن احمد بن یحیی مزیدی حلی^(۶) در غروب عرفه سال ۷۵۷ هـ وفات کرد و در حرم امیرالمؤمنین^{علیه السلام} مدفون گردید.

۵) زین الدین ابوالحسن علی بن احمد بن طرد مطارآبادی حلی^(۷) در رجب ۷۶۲ هـ از دنیا رفت. وی در حله ۶ ربیع الآخر سال ۷۵۴ هـ به شهید اجازه داده است.

۱- علامه مجلسی در بحارالانوار: ۱۱۰: ص ۴۶ / ۳۹، و ص ۵۲ / ۴۱، و ص ۶۴ / ۴۳ آورده است.

۲- بحارالانوار ۱۰۷: ۱۷۷ / ۱۷.

۳- بنگر: بحارالانوار ۱۱۰: ص ۴۶ / ۳۹، ص ۴۸ / ۴۰، ص ۵۲ / ۴۱، ص ۶۴ / ۴۳ و ص ۱۶۱.

۴- بحارالانوار ۱۰۷: ۱۸۲.

۵- بنگر: بحارالانوار ۱۱۰: ۴۶ / ۳۹، ص ۴۸ / ۴۰، ص ۵۲ / ۴۱، ص ۶۴ / ۴۳.

۶- بنگر: بحارالانوار ۱۱۰: ۴۷ / ۳۹، ص ۴۸ / ۴۰ و ص ۵۲ / ۴۱ و ص ۶۴ / ۴۳.

۷- بنگر: بحارالانوار ۱۱۰: ۴۸ / ۴۰، و ص ۵۲ / ۴۱ و ص ۶۴ / ۴۳.

۶) سید امین الدین ابوطالب احمد بن بدرالدین محمد بن ابی ابراهیم^(۱) محمد بن علی بن حسن بن زهرة بن حسن بن زهرة کبیر بن علی حسینی حلبی نقیب. در حلب سال ۷۱۷ متولد و در آنجا در صفر ۷۹۵ هـ وفات یافت و برای شهید در حله سال ۷۵۵ هـ اجازه ای صادر کرد.

۷) سید نجم الدین مهنا بن سنان بن عبدالوهاب بن نمیلة بن اعرج حسینی مدنی قاضی،^(۲) متوفای ۷۵۴.

۸) قطب الدین ابو عبدالله محمد بن محمد رازی که به وی قطب تحتانی^(۳) نیز گفته شده است. سال ۶۹۴ هـ زاده شد و در ذی القعدة ۷۶۶ وفات یافت. شهید یادآور شده که در شعبان سال ۷۶۶ هـ در درس او حضور یافته و از وی کسب علم کرده و از او اجازه دریافت داشته است.

۹) جمال الدین ابو محمد مکی بن محمد بن حامد بن احمد نبطی عاملی پدر شهید اول.^(۴)

۱۰) جلال الدین ابو محمد حسن بن نظام الدین احمد بن نجیب الدین محمد بن جعفر بن ابوالبقاء هبة الله بن نمای حلبی.^(۵) در حله ربیع الآخر ۷۵۲ هـ به شهید اجازه داده است.

۱۱) شمس الدین محمد بن احمد بن ابوالمعالی علوی حسینی موسوی.^(۶)

۵ - ۲. روایان صحیفه که از شهید روایت کرده‌اند.

گروهی از علما صحیفه را از شهید به دو طریق روایت و نقل کرده‌اند: اول به طریق اجازه و دوم به طریق وجاده. ابتدا افرادی را که به دریافت اجازه نایل آمده‌اند ذکر کرده و

۱- در بحار: ابراهیم بدون کلمه ابی آمده است و همچنین در طبقات اعلام الشیعه ۳: ۹.

۲- بنگر: بحار الانوار ۱۱۰: ۵۲ / ۴۱، و ص ۶۴ / ۴۳.

۳- بنگر: بحار الانوار ۱۱۰: ۵۲ / ۴۱، و ص ۶۴ / ۴۳.

۴- بنگر: بحار الانوار ۱۱۰: ۵۷ / ۴۱.

۵- بنگر: بحار الانوار ۱۱۰: ۶۲ / ۴۲، و ص ۶۵ / ۴۳.

سپس به کسانی که به طریق وجاده صحیفه را نقل کرده‌اند می‌پردازیم.

۵- ۲- ۱. کسانی که صحیفه را از شهید به شکل اجازه نقل کرده‌اند.

(۱) زین الدین ابوالحسن علی بن حسن بن شمس الدین محمد بن حسن مشهور به ابن خازن حایری متوفای بعد از ۷۹۱ هـ^(۱) شهید در دمشق روز چهارشنبه ۱۲ رمضان المبارک سال ۷۸۴ هـ به وی اجازه داده است و مجلسی آن را در بحار آورده است.^(۲)
(۲) تاج الدین محمد بن عبدالعالی بن نجده مشهور به ابن عبدالعالی^(۳) متوفای ۸۸۰ هـ. شهید در ۱۰ رمضان ۷۷۰ هـ به وی اجازه داده است.^{(۴) (۵)}
(۳) ضیاء الدین ابوالقاسم بن محمد بن مکی عاملی جزینی فرزند شهید^(۶) متوفای ۸۵۶ هـ.

شهید یک بار همراه برادرش ابوطالب محمد - که ذکرش خواهد رفت - و جمال الدین حسن به وی اجازه داده و یک بار همراه با ابوطالب محمد - که مذکور خواهد شد - در حاشیه نسخه‌ای از شاطبیه اجازه داده است. و این مطلب را صاحب معالم در اجازه کبیر خود از خط شهید بدون واسطه نقل کرده است.^(۷)

(۴) رضی الدین ابوطالب محمد بن محمد بن مکی عاملی جزینی فرزند شهید.^(۸)
(۵) شرف الدین ابو عبدالله مقداد بن عبدالله بن محمد حلی اسدی سیوری مشهور به فاضل مقداد (متوفی روز یکشنبه ۲۲ جمادی الآخر ۸۲۶ هـ).^(۹)
(۶) عزالدین ابو محمد حسن بن سلیمان بن محمد حلی (متوفای بعد از ۸۰۲ هـ).^(۱۰)

- ۱- بنگر: بحار الانوار ۱۱۰: ۴۶ / ۳۹، و ص ۵۲ / ۴۱، و ص ۶۴ / ۴۳. ۲- بحار الانوار ۱۰۷: ۱۸۶ / ۲۱.
- ۳- بنگر: بحار الانوار ۱۱۰: ۵۲ / ۴۱.
- ۴- طبقات اعلام الشیعه ۴: ۱۲۴ (الضیاء اللامع فی القرن التاسع).
- ۵- نسخه این اجازه به خط شهید در کتابخانه مدرسه نواب مشهد مقدس موجود است.
- ۶- بنگر: بحار الانوار ۱۱۰: ۴۸ / ۴۰.
- ۷- بحار الانوار ۱۰۹: ۵۵، الذریعه ۱: ۲۴۸ / ۱۳۵ و ۱۳۰۶، و طبقات اعلام الشیعه ۴ / ۱۲۱.
- ۸- بحار الانوار ۱۱۰: ۵۲ / ۵۲. ۹- بحار الانوار ۱۱۰: ۶۴ / ۴۳. ۱۰- بحار الانوار ۱۰۷: ۲۱۳.

- ۷) سید عزالدین حسن بن ایوب بن اعرج حسینی مشهور به ابن نجم الدین معروف به اطراوی عاملی. (۱)
- ۸) برخی از افاضل از شاگردان شهید اول. (۲)

۵-۲-۲. کسانی که به صورت وجاده از شهید صحیفه را نقل کرده‌اند.

شماری از نسخ خطی موجود توسط عده‌ای از علمای بزرگ از روی نسخه شهید نوشته یا با نسخه شهید بدون واسطه یا با واسطه مقابله شده است. این طریق یکی از راههای اخذ حدیث شمرده می‌شود که نزد محدثان «وجاده» نام دارد. در اینجا به ذکر نسخه‌هایی که از خط شریف وی به طور مستقیم نوشته شده می‌پردازیم و نسخه‌هایی را که به واسطه نسخ دیگر نوشته شده همراه با ذکر وسایط، یاد می‌کنیم.

۱) نسخه شیخ شمس الدین محمد بن علی بن حسن جبعی عاملی (متوفای ۸۸۶هـ) پدر حسین بن عبدالصمد و جد شیخ بهائی (متوفای ۱۰۳۰هـ). این نسخه، از روی نسخه شهید نوشته شده و مجلسی اول آن را با شیخ بهاء الدین محمد عاملی مقابله کرده. (۳) نسخه جبعی ۸۵۱هـ نوشته شده و مجلسی اول آن را دیده و از آن خبر داده است. (۴)

نگارنده گوید: نسخه‌ای از این صحیفه در مرکز احیاء تراث اسلامی به شماره ۱۱۷۰ موجود است به خط ابوالمعالی خوانساری که نظام الدین قرشی ساوجی آن را با نسخه جبعی مقابله کرده. در نسخه علامتهای مقابله دیده می‌شود و شاید به خط شیخ بهایی باشد. قرشی هرآنچه که در نسخه جبعی بوده به تمامی نقل کرده که آن نسخه نیز مطابق با نسخه شهید و نسخه‌ای است که علامه مجلسی از صحیفه جبعی نقل کرده است. (۵)

در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نسخه‌ای به شماره ۸۹۳۲ جزو مجموعه‌هایی که جبعی نوشته و به مجموعه جباعی شهرت دارد موجود است. سید محمد طباطبایی

۱- بحارالانوار ۱۱۰: ۴۶ / ۳۹، ص ۶۴ / ۴۳.

۲- بحارالانوار ۱۱۰: ۶۲.

۳- در باب اسباب شهرت روایت مشهور گذشت و بنگر الرسائل الرجالیه ۲: ۶۱۵-۶۱۶.

۴- بحارالانوار ۱۰۷: ۲۱۴. ۵- المخطوطات العربیه فی مرکز احیاء التراث الاسلامی ۲: ۲۱۴ / ۱۱۷۰.

بهبهانی در کتاب «الشریعه الی استدراک الذریعه» در معرفی آن گفته که این مجموعه، از جهت قدمت نسبت به سایر مجموعه‌ها ممتاز است، چرا که قدیمترین تاریخ موجود در این مجموعه، ذوالقعدة ۸۵۱ هـ است. در این مجموعه ملحقات صحیفه سجادیه به خط این عالم جلیل وجود دارد. طباطبایی اظهار می‌دارد که این مطالب از روی خط عمید الرؤساء کتابت شده است.^(۱)

(۲) نسخه شهید ثانی زین الدین علی بن احمد شامی (متوفای ۹۶۵ هـ) که از روی نسخه شهید اول نگارش یافته و در آن طرق روایی صحیفه را ذکر کرده است.

نسخه شهید ثانی در اختیار علامه مجلسی بوده که وی، همه این طرق و تمامی مطالب موجود در آن و مقابله‌های شهید اول را که به خط شهید ثانی بوده ذکر کرده است. از جمله این مطلب را از آن نسخه آورده است: «این نسخه، از روی نسخه شیخ و مولایمان ابو عبدالله شهید محمد بن مکی مقابله و مضبوط گشته است، به دفعات متعدد که اولین بار در سال کتابت، دومین بار سال ۴۴ (یعنی ۹۴۴) و سومین مرتبه سال ۹۵۴ می‌باشد.»^(۲)

نسخه‌ای از صحیفه به خط شهید ثانی در کتابخانه مدرسه نواب به شماره ۱۳ (ادعیه) موجود است. فهرست‌نگار در توصیف آن می‌گوید: «این نسخه به خط نسخ معرب به خط به ابن حاجه زین الدین بن علی است که در سال ۹۳۰ هـ نوشته شده.»^(۳) شهید نسخه خود را سال ۹۳۰ هـ - برحسب آنچه که مجلسی در بحار الانوار گفته - نگاشته است.

نسخه‌ای دیگر از آن در کتابخانه آیه الله مرعشی به شماره ۱۳۱۴۰ موجود است که از روی نسخه سدید نوشته شده یا با آن بدون واسطه مقابله شده است و هر آنچه در نسخه شهید آمده بعینه در آن نیز آمده است. محمد بن فقیه ابراهیم آن را در ربیع الاول ۸۵۳ هـ استنساخ کرده و بار دیگر محمد بن حسن حسینی عینائی از علمای قرن ۱۱ و صاحب کتاب المواعظ العددیه آن را با نسخه شهید ثانی مقابله کرده و تمامی مطالب آن نسخه را

۱ - الشریعه الی استدراک الذریعه ۱: ۲۵۱، شماره ۴۸۳.

۲ - بحار الانوار ۱۰۸: ۱۳۳ - ۱۳۴.

۳ - فهرست مدرسه نواب، ص ۵۵۳.

آورده و کتابت آن به سال ۱۰۷۰ هـ می‌باشد.

نسخه‌ای دیگر در کتابخانه آستان قدس به شماره ۱۳۹۸۵ از قرن ۱۱ موجود است که با نسخه شهید ثانی مقابله و تصحیح شده و در حاشیه یکی از صفحات آمده است: «کذا فی نسخة الشیخ زین‌الدین قدس الله سره علّقها متبرکاً بأدائها لنفسه فقیر رحمة الله... ین الدین علی‌الشهید باین الحجة فارغاً منها... شهر شعبان المعظم قدس سره... ثلاثین و تسعمائة»^(۱)

نسخه دیگری در این کتابخانه به شماره ۶۸۳۶ موجود است که آن را محمد حسین بن کمال‌الدین علی فسانی سال ۱۰۵۷ هـ نگاشته و با نسخه ابن‌ادریس و نسخه شهید ثانی مقابله کرده است.

نسخه‌ای دیگر در کتابخانه عمومی آیه الله حکیم در نجف اشرف به شماره ۷۵ وجود دارد که براساس نسخه شهید ثانی نوشته شده و آن را حسین بن شدقم تصحیح کرده است. شاید این شخص سید حسین بن حسن بن علی بن حسن بن علی بن شدقم بن ضامن حسینی مدنی هندی باشد که از حسین بن عبدالصمد عاملی والد شیخ بهاء‌الدین (م ۹۸۴ هـ) صاحب اجازه است.^(۲)

۳) نسخه محمد امین بن محمد علی که آن را در ۱۰ ذی‌الحجه ۱۰۷۹ هـ استنساخ کرده و کیفیت مقابله آن را این چنین توصیف کرده است:

«این صحیفه کامله نورانی منسوب به سید و مولایمان امام سجاد و زین‌العباد امام مفترض الطاعة علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب - صلوات الله و سلامه علیهم - را از روی خط دانشمند علامه شهید اول شمس‌الدین محمد بن مکی رحمه الله و رضی عنه نقل نموده‌ام و تمامی اعراب، نقطه‌ها و حواشی را لفظ به لفظ حسب توانایی خویش آورده‌ام، مگر مواردی که از چشم رفته باشد و این کار در ۱۰ ذی‌الحجه ۱۰۷۹ انجام پذیرفت توسط بنده نیازمند به عفو پروردگار، ابن علی بن علی، غلام علی مشهور به محمد علی».

پژوهشی در نسخه شهید اول از صحیفه سجادیه



۱ - فهرست کتابخانه آستان قدس ۱۵: ۳۳۹ / ۵۰۳ (بخش ادعیه) ۲ - طبقات اعلام الشیعه ۵: ۱۷۰.

نسخه محمد امین اکنون ضمن مخطوطات کتابخانه اهدایی مرحوم سید محمد مشکوة به دانشگاه تهران به شماره ۷۳ موجود است. (۱)

۴) نسخه جعفریه که در قرن ۱۰ نوشته شده و با نسخه شهید رحمه الله مقابله و تصحیح شده است و در صفحاتش علامت مقابله به خط شیخ بهایی و میرداماد دیده می شود. میرداماد در اول و آخر نسخه اجازه قرائت داده است. در حاشیه مطالبی از علامه مجلسی به عنوان «م ح ق دام ظلّه» آمده و نسخه در کتابخانه مدرسه جعفریه در زهان موجود است. (۲)

۵) نسخه مدرسه سپهسالار نگارش شده به سال ۱۰۲۱ هـ و با نسخه شهید مقابله و تصحیح شده. (۳)

۶) نسخه دیگری از مدرسه سپهسالار که کاتب از روی نسخه شهید نوشته، به طوری که قبل از ملحقات صحیفه اظهار داشته است. (۴)

۷) نسخه نوشته شده به سال ۱۰۸۷ هـ که در کتابخانه براون موجود است. (۵)

۸) نسخه اصل برای نسخه ای که آن را محی الدین بن محمود بن احمد طریحی نجفی مسلمی عزیزی نگاشته و تصحیح کرده است. شیخ حر عاملی در کتاب امل الآمل درباره او گوید: «عالم فاضل محقق عابد صالح ادیب شاعر، له رسائل و مراثی للحسین علیه السلام و دیوان شعر من المعاصرین». (۶)

این شیخ بزرگوار، نسخه اش را براساس نسخه ای کتابت و تصحیح کرده که از روی نسخه شهید اول کتابت شده و تمامی مقابلات و مطالب موجود در نسخه شهید را آورده. این نسخه در کتابخانه آستان قدس به شماره ۱۹۵۹۲ موجود است. (۷)



۱- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: ۱: ۱۶۲ (قسم ادعیه).

۲- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه جعفریه: ۸۶ / ۸۳.

۳- فهرست کتابخانه سپهسالار: ۳۶ / ۶۴.

۴- فهرست کتابخانه سپهسالار: ۱ / ۰ / ۱۰۵۳.

۶- امل الآمل ۲: ۳۱۸ / ۹۷۱ و بنگرید الذریعه ۹: ۱۰۱۶ / ۶۱۱۲.

۷- فهرست کتابخانه آستان قدس ۱۵: ۳۴۲ / ۵۰۹ (قسم ادعیه).

۹) نسخه نقل شده که اصل مورد مقابله کاظم بن یس غروی نجفی در سال ۹۹۶ از آن نقل شده است. وی در پایان صحیفه، قبل از ملحقات آن می‌گوید: «این نسخه مبارک بر نسخه‌ای مقابله شده که از روی نسخه‌ای منقول از خط شیخ شهید نوشته شده است. همان نسخه، خود بر شهید ثانی خوانده شده و تصحیح و اعراب آن بر طبق نظر او آمده، در حدّ توان، مگر آنچه دیده از آن خطا می‌رود. این مقابله در چند مجلس انجام شده و در روز پنجشنبه ۱۵ شوال ۹۹۶ هجری در مکه مشرفه - زاده‌ها الله شرفاً - پایان یافته است. این سطور را بنده فقیر به رحمت خدای بی‌نیاز خود، کاظم بن یس غروی نجفی عفی الله عنهما نگاشت.» (۱)

۱۰) نسخه کتابخانه آیه الله مرعشی به شماره ۳۹۵، مکتوب روز شنبه ذوالحجه ۹۳۵ در نجف اشرف قبل از ملحقات صحیفه تصریح شده که این نسخه با نسخه شهید مقابله شده است. همان مطالب که در دیگر نسخه‌ها آمده - از نظر نوع مقابله و ذکر اصول - در اینجا نیز آمده است. (۲)

۱۱) نسخه متعلق به آقا حسن تاج که آن را مجلسی اول به اشاره صاحب العصر و الزمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - دریافت نمود که قبلاً بدان اشارت رفت.

۱۲) نسخه معصومه عراق که با سایر نسخه‌های ابن اشناس و ابن سکون و ابن ادريس و شیخ شهید و شهید ثانی و دیگران مقابله شده و در نهایت صحت است. از این رو، به آن معصومه می‌گویند، به خاطر آنکه از غلط عاری است، چنانکه میرزا عبدالله در صحیفه ثالثه نقل کرده است. (۳)

۱۳) نسخه‌ای که میرزا عبدالله افندی در اردبیل دیده. وی در ریاض العلماء می‌گوید: نسخه دیگری از صحیفه کامله در اردبیل دیدم که نسخه کهنی بود و تصویری از خط شیخ شهید شمس‌الدین محمد بن مکی بر آن دیده می‌شد. (۴)

۱ - کتابخانه آیه الله گلپایگانی به شماره ۱۳۹، ۶.

۲ - فهرست نسخه‌های خطی مرعشی: ۴۱۲ / ۳۹۵.

۴ - ریاض العلماء: ۴: ۳۹۶.

۳ - ذریعه ۲۱: ۲۶۵ / ۴۹۶۵.

۱۴) نسخه امیر سید محمد باقر داماد متوفای ۱۰۴۱ هـ که در مقدمه شرح خود بر صحیفه از آن خبر داده است.

این بود پایان آنچه که با تعجیل، راجع به صحیفه سجادیه مبارکه و نسخه شهید، قصد ایراد آن را داشتیم. ضمن طلب رضای الهی، شفاعت پیامبر و اهل بیت علیهم السلام را آرزو مندیم، و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین، و الصلاة والسلام علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین. (۱)

Archive of SID

۱- از جناب حجة الاسلام رضا مختاری که متن اصلی این مقاله را با دقت خواندند و نکاتی چند تذکر دادند، سپاسگزاریم (فصلنامه سفینه).